

حزبی که به ساختن جهانی بهتر باور دارد

سرمقاله

دفتر سیاسی حزب ایران آباد

حزب یک مجموعه‌ی سیاسی است که برای کسب قدرت تلاش می‌کند. هر آن چه حزب می‌کند در این راستاست. این که حزبی اصول اخلاقی را در مسیر تلاش به کار گیرد وظیفه‌ی آن را دشوارتر می‌سازد. حزب ایران آباد از همان ابتدا پایه‌ی کار خود را بر اخلاق مداری قرار داد. یعنی رعایت اصول اخلاق انسانی در مسیر فعالیت تشکیلاتی و دستیابی به قدرت از طریق کار حزبی.

تکیه مشخص ما بر پایه‌های اخلاقی به دلیل نتایجی بود که ما از دل مطالعات خود بیرون کشیده بودیم. ما در پژوهشی که بر تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران کردیم دریافتیم که مشکل جامعه ایران در خروج از چرخه‌ی استبداد در این نیست که برای این منظور تلاش نکرده است، بلکه در این است که تلاش کیفی نکرده است. فرق این دو در این است که شما می‌توانید در نبود کیفیت لازم بارها و بارها برای انجام یک کار کوشش کنید تا شاید به طور شانسی به موفقیت دست یابید؛ و یا این که یک بار نخست در مورد کیفیت کار خویش اطمینان حاصل کنید و بعد به انجام آن اقدام ورزید. مطالعه‌ی ما نشان داد که تلاش‌های چندین باره‌ی جامعه‌ی ایرانی برای پایان بخشیدن به عمر استبداد از نوع نخست بوده است. یعنی بدون آماده‌سازی و بسترسازی کافی برای به نتیجه رسیدن. به همین خاطر هیچ گاه به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده و پیوسته شکست خورده است: نهضت مشروطیت ره به جایی نبرد، جنبش ملی شدن نفت به ناکامی انجامید و انقلاب سال ۵۷ نیز دست‌آوردی سیاه داشت.

بر این اساس ما پس از دستیابی به نتیجه‌ی مشخص این پژوهش بر آن شدیم که این بار قبل از بروز تغییر سیاسی عنصر کیفیت را تأمین کنیم تا بتوانیم پایان خوبی را برای تغییر تضمین کنیم. در این راستا ما پیش از آن که کار سیاسی را آغاز کنیم، یک کار فرهنگی را شروع کردیم، یعنی به ترویج فلسفه‌ی خودرهاگری پرداختیم. سازمان خودرهاگران که در دی ماه سال



عبور از جامعه طبقاتی بشر

از طریق انسان مداری به عنوان زیربنا
و
مدیریت اجتماعی جامعه به عنوان روبنا

احزاب خارج کشور و مردم داخل کشور

صفحه ۴

تا کنیم آزاد هم آباد ما ایرانمان

شعری از "تباه"

صفحه ۷

تحزب: ابزار تبدیل روشمند آرزو به واقعیت

بخش دوم

صفحه ۸

پنج پرسش و پاسخ در پیوند با

حزب ایران آباد

صفحه ۱۲

اقتصاد ایران از نگاه حزب ایران آباد

صفحه ۱۸

حزب ایران آباد و جشن اومانیته

صفحه ۲۰

۱۳۸۸ تأسیس شد بر آن بود که کسانی را گرد آورد که با گذر از موانع خودساخته‌ی درون خویش، به انسان‌هایی آزاده تبدیل شده‌اند و قادرند که تغییر سیاسی را نه برای تعویض قدرت که برای پایان بخشیدن به استبدادسالاری صورت بخشند. اشکال حرکت‌های قبلی در این بود که نیرو‌هایی که هدایت و رهبری آن را بر عهده می‌گرفتند یا فاقد قدرت تشخیص کافی بودند و یا آلوده به ویروس انحصارطلبی. در هر دو حالت نتیجه‌ی حرکت آزادیخواهانه‌ی مردم ایران چیزی نبود جز ناکامی و بازتولید استبداد. این بار ما می‌خواستیم که چنین نباشد.

برای این منظور سازمان خودرهاگران در صدد بود که با یادآوری ضعف‌هایی که یک فرهنگ استبدادی در ما درونی کرده است به نبرد با آنها برویم و این ضعف‌ها را از درون رفتار سیاسی خویش ریشه‌کن کنیم. ما با مطرح کردن انسانمداری به عنوان پایه‌ی فکری کار خویش، ایرانی‌ها را برای نخستین بار به این نکته علاقمند ساختیم که هدف فعالیت و تغییر سیاسی را نه قدرت، نه ایدئولوژی و نه هیچ چیز دیگر، بلکه ارزش جان و کرامت انسان بدانند. این بدیهی است که افرادی که این مفهوم را در خویش درونی ساخته باشند در فردای دگرگونی رژیم و کسب قدرت، دیگر قادر به اعمال استبداد و جنایت و غارت نخواهند بود، زیرا همه‌ی اینها برخلاف حفظ ارزش جان و کرامت انسان است.

پس آن چه ما نیاز داشتیم همانا رفتن به سوی حرکتی بود که بتواند انسان‌مداری را به عنوان راهنمای خویش در طول مسیر همراه داشته باشد و هرگز آن را نه رها و نه گم کند. حرکتی که با باور به ارزش جان و حرمت بشر تلاش می‌کند بهترین شرایط را برای بهروزی و بهزیستی انسان‌ها فراهم سازد و در این مسیر اصالت و راستی را فراموش نمی‌کند. حرکتی که تعهد عملی به شفافیت و صداقت دارد، نه خود را می‌فروشد و نه از ناآگاهی توده‌ها برای بهره‌کشی از آنها سود می‌برد. و در نهایت، حرکتی که ساختن یک جامعه‌ی انسانی را به عنوان برآیند کار و تلاش خویش مد نظر قرار می‌دهد و در صدد است که جامعه‌ای بسازد شایسته‌ی نام انسان، این موجود دارای توان بی‌نهایت برای خوب بودن و خوبی کردن.

در راستای چنین جریان فکری بود که پس از چندین سال فعالیت در مسیر اشاعه‌ی فلسفه‌ی خودرهاگری و تعهد به انسانیت به عنوان خط سیاسی، برآن شدیم که با تأسیس یک حزب سیاسی کوشش‌های خود را به صورت مشخص در راه ایجاد تغییر سیاسی در جهت حذف رژیم استبدادی، مدیریت کیفی دوران گذار و بازسازی هدفمند جامعه‌ی ایرانی متمرکز کنیم. بدین صورت بود که حزب ایران آباد در اسفند ماه سال ۱۳۹۲ تأسیس شد.

حزبی انسان‌مدار که برای ساختن جامعه‌ی انسانی راهکاری ساده و عملی را پیشنهاد می‌دهد: حذف استبداد، آماده‌سازی جامعه و سپردن قدرت به آن. این سه مرحله در واقع استراتژی درازمدت حزب ایران آباد را شکل می‌بخشد.

ویژگی‌های چنین نقشه‌ی راهی عبارتند از:

- نخست آن که ما خود را اسیر زمان‌بندی‌های شتابزده برای پیاده کردن آن نساخته‌ایم. یعنی نمی‌خواهیم که کیفیت کار فدای عجله‌ی ما در به ثمر رساندن آن شود. زیرا نیک میدانیم که، همان‌طور که در بالا گفته شد، در نبود کیفیت، تلاش ما نتیجه‌ی مطلوب را به دست نخواهد داد. پس ما ارزش زمان را در تولید کیفیت می‌دانیم، نه در افزایش کمیت. این نگاه ما را از رفتن به سوی میان‌برهای مخدوش‌کننده‌ی اصالت بر حذر می‌دارد. به ما اجازه می‌دهد که با وسواسی خاص عنصر کیفیت را بها بدهیم و کار را به پیش بریم و مطمئن باشیم که حتی اگر پیروزی را دیرتر ملاقات می‌کنیم اما می‌توانیم از آن منظوری را که داریم حاصل کنیم.

- دوم این که ما راه حلی را به پیش می‌بریم که ضمن انطباق با خصوصیات ویژه‌ی جامعه‌ی ایرانی از خصلتی عام و جهان‌شمول برخوردار است. این که تلاش کنیم جامعه‌ای بسازیم که در آن انسان‌ها سازندگان نهادها و فرایندهای تأمین خوشبختی خویش خواهند بود چیزی نیست که فقط برای ایران و ایرانیان باشد. هر جامعه‌ی دیگری نیز که بخواهد از جهل، استثمار و استبداد رهایی یابد می‌تواند این مسیر را طی کرده و با رعایت کیفیت و اصالت در تلاش خویش، به این شکل مطلوب از حیات جمعی انسان دست یابد. دلیل تأکید ما بر جهان‌شمول بودن این الگو در این است که در دنیای جهانی شده‌ی امروز محال است که کشوری، به طور منزوی و بی‌پیوند با سایر جوامع بشری سرنوشت خویش را تعیین کند. اما این پیوند متقابل است. همان‌طور که ایران آزاده شده از بند استبداد از کشورهای فقیر، غارت‌شده یا اسیر جهل و استبداد اطراف و اکناف جهان تأثیر می‌پذیرد می‌تواند بر آنها تأثیر مشخص متقابل هم داشته باشد. پس افق دید ما در حزب ایران آباد به ایران محدود نمی‌شود. امید ما این است که در سایه‌ی ساختن یک نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انسان‌محور و شهروندمدار نشان دهیم که چگونه وقتی ملت‌ها بخواهند، آگاه شوند و اراده کنند می‌توانند هر ناممکنی را ممکن سازند.

- سوم این که ما روشی را در کار خود پیش گرفته‌ایم که جز توسط انسان‌های آگاه و اراده‌مند قابل استفاده نیست.

برای همین نیز ما در فعالیت تشکیلاتی خویش موضوع سیستم سازی و نهادینه کردن کار را به شکل بسیار جدی دنبال می‌کنیم.

خصوصیاتی که بر شمرده شد به ما اجازه می‌دهد بتوانیم امیدوار باشیم که حزب ایران آباد یک حرکت ماندگار بوده و اگر به آن چه گفته است پایبند باشد و تلاش خویش را نیز به فکر و خلاقیت و جدیت مجهز کند، بدون کمترین تردیدی با کامیابی همراه خواهد بود. به همین دلیل، این حزب مکانی است برای گرد هم آمدن تمام کسانی که به یک مبارزه‌ی کیفی، درازمدت، فکر شده، برنامه‌ریزی شده، پویا و هدفمند باور دارند. ما اسیر زمان نیستیم، زمان در اختیار ماست.

در میان کوشندگان این حزب جای کمترین تردیدی نیست که به واسطه‌ی موفقیت در طرح درازمدت حزب ایران آباد، نه فقط شرایط ایران، که شرایط منطقه‌ی خاورمیانه نیز تغییر خواهد کرد. آن گاه این تغییر می‌تواند با ابتکارها، هماهنگی و همکاری‌های کشورهای منطقه به سایر مناطق جهان نیز سرایت کند و زمینه‌ساز ساختن دنیای بهتری شود که محکوم نیست در جنگ، نفرت، غارتگری و دشمنی با انسان و طبیعت زندگی کند. این الگو عملی، قابل اجرا و لذا جایگزینی مناسب برای سیستمی است که امروزه جهان را به کام نابودی می‌کشاند. ما باور داریم که می‌توانیم سازندگان دنیای بهتری باشیم، دنیای مبتنی بر آزادی، عدالت، صلح، حقوق بشر و رعایت محیط زیست. این کار عظیم بر عهده‌ی خودباوران است و حزب ایران آباد می‌خواهد که متشکل از افراد خودباور باشد. #

دفتر سیاسی حزب ایران آباد

۲۴ شهریور ۱۳۹۶

به عبارت دیگر، نوع مبارزه‌ای که ما در قالب یک تشکل سیاسی حرفه‌ای انسان مدار پیشنهاد می‌کنیم فقط برای انسان‌هایی مناسب، جذاب و قابل استفاده است که ذهنی باز داشته باشند، خودرهاگر باشند، جدی و پایدار باشند. و این گونه افراد همان حاملان کیفیت‌های لازم برای تغییر موفق در ایران خواهند بود. ما دیگر نمی‌توانیم نیرو‌هایی را تربیت کنیم که در نهایت و پس از کسب قدرت، به طور آگاه یا ناخودآگاه، در تلاش خواهند بود که بساط دیگری از استبدادسالاری را تدارک ببینند و به سراغ جامعه‌ی ستمدیده ما بروند تا از آن استفاده‌ی ابزاری کنند. حزب ما بر این باور است که نخست می‌بایست انسان‌مدارانی متعهد به آزادی و دمکراسی را تربیت کرد و سپس از طریق آنان تغییر کیفی لازم برای دستیابی جامعه‌ی ایرانی به آزادی و دمکراسی را تدارک دید.

• چهارم، نقشه‌ی راه ما که ده‌ها سال به طول خواهد انجامید، از ثبات استراتژیک و انعطاف تاکتیکی برخوردار است. ما ضمن حفظ اصول بر شمرده برای حفظ کیفیت کار خویش، آمادگی داریم تا به فراخور دگرگونی‌های بزرگ و کوچک صحنه‌ی سیاسی ایران، منطقه و جهان، حرکت را با شرایط در حال تحول انطباق بخشیده و پویایی تشکیلاتی و پیشروی خود را تأمین کنیم. به عبارت دیگر ما مشکلات و تغییرات و دگرگونی‌های مختلف در مسیر خود را به مثابه دست‌انداز می‌بینیم و نه بن‌بست. برای ما به عنوان تشکلی که به بینهایت توانمندی موجود انسانی باور دارد هیچ چیز به عنوان مانع مطلق در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه مشکلاتی نسبی هستند که می‌توان از آن گذر کرد و کار را ادامه داد.



در میان کوشندگان این حزب جای کمترین تردیدی نیست که به واسطه‌ی موفقیت در طرح درازمدت حزب ایران آباد، نه فقط شرایط ایران، که شرایط منطقه‌ی خاورمیانه نیز تغییر خواهد کرد. آن گاه این تغییر می‌تواند با ابتکارها، هماهنگی و همکاری‌های کشورهای منطقه به سایر مناطق جهان نیز سرایت کند و زمینه‌ساز ساختن دنیای بهتری شود که محکوم نیست در جنگ، نفرت، غارتگری و دشمنی با انسان و طبیعت زندگی کند. این الگو عملی، قابل اجرا و لذا جایگزینی مناسب برای سیستمی است که امروزه جهان را به کام نابودی می‌کشاند.

احزاب خارج کشور و مردم داخل کشور



دفتر تولید، پژوهش و آموزش حزب ایران آباد

پیشگفتار

رژیم حاکم بر ایران، بزرگترین دشمن پیشرفت تاریخی کشور ما و نخستین مانع برای ریشه‌کن کردن نهادینه‌ی استبداد در ایران است. رژیم دچار بحران‌های ساختاری که نه به دلیل اقتدار خود، بلکه به دلیل ضعف ما، همچنان بر سر کار باقی مانده است. اما چه نیرویی باید جمهوری اسلامی را سرنگون کند؟ مردم داخل کشور، یا اپوزیسیون خارج کشور؟ آن چه مربوط به مردم داخل کشور می‌شود، بخش اعظمی با وجود محرومیت از حداقل حقوق انسانی خود، به دلیل مسئولیت‌گریزی، تسلیم‌پذیری و نبود آگاهی، که به عدم تشخیص منافع جمعی و فردی خود منجر می‌شود، از قبول وظایف شهروندی خود گریزانند. در کنج خود عمر می‌گذرانند و در انتظار که کسی کاری برایشان بکند. چه بسا در توجیه انفعال خود انگشت اتهام به سمت اپوزیسیون خارج کشور نشانه روند که با بی‌برنامگی و ناتوانی و نبود اتحاد در صفوف خود باعث ادامه‌ی حیات ننگین این رژیم شده‌اند. و اما درباره‌ی آنچه مربوط به اپوزیسیون خارج از کشور می‌شود وضعیت بهتر نیست، بخش اعظم آن سالیان درازی است که بیش از آن که به عمل سیاسی هدفمند و مؤثر در مسیر براندازی رژیم بپردازد، مشغول عکس‌العمل به آنچه در داخل کشور می‌گذرد است؛ محکوم می‌کند، تحریم می‌کند، حمایت می‌کند، اطلاعیه صادر می‌کند و غیره. در این میان، هر روز که می‌گذرد برای تک تک ما بیشتر مسجل می‌شود که اگر این رژیم همچنان برجا باقی بماند، به زودی چیزی از ایران باقی نخواهد ماند!

بارها از سوی نیروهای آگاه، از جمله حزب ایران آباد، گفته شد و نوشته شد که راه درست یکی بیش نیست: ایجاد، تقویت و حمایت احزاب مردمی و مستقل. تنها عاملی که می‌تواند به طور مؤثر در مسیر براندازی به ما کمک کند گسترش فرهنگ تحزب است. از سویی از آن جا که می‌دانیم در داخل کشور به دلیل سلطه‌ی این نظام متحجر و مستبد، به هیچ عنوان امکان تأسیس حزب وجود ندارد، می‌ماند که چگونه می‌توانیم در یک

هماهنگی و همگامی بین مردم ناراضی و جان به لب رسیده‌ی داخل کشور از یک سو، و احزاب مستقل و مردمی خارج کشور از سوی دیگر، این مانع تاریخی را از سر راه خود برداریم. نوشتار پیش رو به این موضوع می‌پردازد.

احزاب سیاسی خارج کشور و استقرار اجتماعی داخل کشور

تضاد منافع بین باندهای مافیایی قدرت در ایران بیش از هر زمانی شدت پیدا کرده و درجه‌ی تحمل سردمداران نظام برای شنیدن نظرات مخالفان خودی مانند خاتمی به پایین‌ترین حد خود رسیده است. احزابی مانند حزب کارگزاران که توسط چهره‌های سرشناس رژیم مانند رفسنجانی و کرباسچی تأسیس شده بود، بسیار سریع منحل اعلام می‌شوند، چه رسد به احزاب مخالفان دگراندیش که هرگز در این چند دهه امکان فعالیت علنی در داخل کشور نداشته‌اند!

حکومت جهل و جور اسلامی، مانند هر نظام استبدادی دیگری در جهان، فعالیت سیاسی مخالفان خود را بر نمی‌تابد و هزینه‌ی آن را برای کوشندگان بسیار سنگین می‌کند، که اغلب حتی به گرفتن جان آن‌ها می‌انجامد. فضا در داخل ایران محدود است و کنشگری سیاسی علنی ناممکن. عقل حکم می‌کند در چنین شرایطی در داخل کشور کار فاقد سازماندهی انجام نداده و وقت و جانمان را بیهوده هدر ندهیم و به جای آن به دنبال راهکارهای شدنی مبتنی بر کار متشکل بگردیم. در کنار آن در خارج از مرزهای ایران بستر فعالیت در قالب احزاب سیاسی فراهم است که باید بیشترین بهره را از آن برد. ^۱ تأسیس حزب ایران آباد در ۲۹ اسفند ۱۳۹۲ در این راستا بود.

به باور ما احزاب سیاسی به رغم عدم حضور مستقیم در ایران، تأثیرگذاری مشخص بر روی مردم داخل کشور را باید در دستور کار خود قرار دهند. به سهم خویش، با پذیرش این واقعیت که حزب ما نخواهد توانست تا زمان سرنگونی این رژیم در ایران استقرار سیاسی پیدا کند، به دنبال استقرار اجتماعی در ایران هستیم. در این راستا، همانگونه که در مرحله نخست استراتژی حزب در برنامه‌ی سیاسی آن درج شده، می‌بایست

ادامه مطلب در صفحه ۵

^۱ بر همین اساس، کمابیش تمامی احزاب و سازمان‌های مخالف، از همان ابتدای استقرار این رژیم در سال ۵۷ محور فعالیت‌های خود را به خارج از کشور انتقال دادند. این که چقدر موفق و یا ناکام بودند بررسی دقیقی می‌طلبد که در فرصت این مقاله نیست.

در چهارمین سال از فعالیت خود، حزب ما علاوه بر تلاش برای ایجاد منابع مالی مستقل بر اساس فعالیت های اقتصادی اعضا و پشتیبانان و همیاری های مردمی، به گسترش نیروی انسانی خود پرداخته است و این شامل اعضا، پشتیبانان و هواداران حزب در خارج از کشور از یک سو و کنشگران ما در داخل کشور سوی دیگر است که با تکیه بر امکانات مادی و آموزش های دریافتی، در مسیر بسط و گسترش پایگاه اجتماعی حزب در درون کشور، فعالیت می کنند. در ارتباط با پایگاه اجتماعی خود در ایران، به عنوان یک حزب واقعگرا، ما دچار توهم و خیالبافی نیستیم. حزب سیاسی برای آن که موفق شود سهم از قدرت بگیرد، به هیچ روی نیاز به همراهی و موافقت ۹۹ درصد مردم با خود ندارد! شماری اندک اما کافی از نیروهای اجتماعی مسئولیت پذیر در صورتی که آگاهی، انگیزه و آمادگی لازم از طریق دریافت آموزش ها و تمرین کار جمعی را دارا باشند، توان ایجاد تغییر در ایران را خواهند داشت. این را تاریخ بشر به ما آموخته که موتور محرکه تغییر در جوامع، بخش کوچکی از آن است که به این منظور کسب آمادگی کرده باشد و با برنامه حرکت کند. در این مسیر، حزب و کنشگران آن چنانچه به درستی عمل کنند لایه های کمتر سیاسی جامعه را نیز به مرور زمان همراه خود خواهند کرد.

با این حساب، نیروی تغییری که ما به آن نیاز داریم نباید پرشمار باشد، اما باید به مثابه دو بال پرواز، هم در خارج از ایران و هم درون کشور به میزان کافی فراهم شده باشد. هموطنان عزیز خارج از کشور، با در اختیار گذاشتن دانش و توان و وقت و امکانات مادی خود می توانند به حزب ما یاری دهند و در جهت معرفی، تقویت و تثبیت به فعالیت مستمر مشغول شوند. اما بپردازیم به بخش کمتر شناخته شده و مبهم این بحث، یعنی راهکار های حزب ایران آباد برای یافتن و همراه کردن بخش مستعد جامعه ی ایران در داخل کشور با خود.

به صورت پیگیر راهکارها برای پویا کردن فعالیت هواداران و کنشگران خود در ایران را، چه به شکل علنی از طریق رسانه های خود و چه به صورت غیرعلنی و با رعایت نکات امنیتی، به آن ها ارائه می دهیم. اهداف و راهکار های حزب ما برای آینده ای متفاوت باید به شکل گسترده در داخل کشور معرفی شده و توضیح داده شود تا از این گذر، پایگاه اجتماعی خود را تقویت کنیم. این گونه است که در وقت مناسب خواهیم توانست قدرتمند وارد صحنه شویم و سهم از قدرت به دست آوریم.

ما در حزب ایران آباد بر این باوریم که ایجاد تغییر سیاسی در ایران با استفاده از روش های غیر دمکراتیک بسترساز چهره ی جدیدی از دیکتاتوری در ایران می شود. نخستین گام از برنامه سیاسی ما، خلع قدرت از رژیم جمهوری اسلامی است، اما نه با تکیه بر نیروی تغییر دیگری به جز نیروی اجتماعی مردم ایران و در نتیجه هرگونه تغییر رژیم توسط دولت های خارجی را، که به بر سرکار آوردن «احمد چلبی» های از نوع ایرانی- چه از طریق نرم و انقلاب های رنگی باشد، چه با یک کودتای نظامی و یا تحمیل جنگ خارجی-، به ضرر مردم ایران می دانیم. براندازی دیکتاتور، اگر خواهیم به استقرار دمکراسی ختم شود باید به دست خود ما صورت گیرد و برای این منظور احزاب ما ابتدا باید بتوانند در دل جامعه مستقر گردند. بدون تعارف باید گفت: اگر حزبی در استقرار اجتماعی خود در درون جامعه ناتوان است، یا به نقش خود بعنوان حزب واقف نیست، یا به دنبال کسب قدرت با تکیه بر روش های غیر دموکراتیک است، لذا نیرویی مناسب برای تغییرات بنیادین و دمکراتیک در ایران نیست.

برای استقرار موثر در صحنه ی سیاسی جامعه، یک حزب نیازمند سه عنصر حیاتی است: نیروی انسانی، امکانات مادی و پایگاه اجتماعی. چنانچه یک تشکل سیاسی نتواند به میزان کافی از این سه عنصر را برای خود فراهم کند، به مرور زمان ماهیت ذاتی خود به عنوان «حزب سیاسی» را از دست داده و به یک محفل و یا یک گروه شبه-مافیایی که در پی تأمین منافع سران آن است مبدل می شود.



ما در حزب ایران آباد بر این باوریم که ایجاد تغییر سیاسی در ایران با استفاده از روش های غیر دمکراتیک بسترساز چهره ی جدیدی از دیکتاتوری در ایران می شود. نخستین گام از برنامه سیاسی ما، خلع قدرت از رژیم جمهوری اسلامی است، اما نه با تکیه بر نیروی تغییر دیگری به جز نیروی اجتماعی مردم ایران و در نتیجه هرگونه تغییر رژیم توسط دولت های خارجی را، که به بر سرکار آوردن «احمد چلبی» های از نوع ایرانی- چه از طریق نرم و انقلاب های رنگی باشد، چه با یک کودتای نظامی و یا تحمیل جنگ خارجی-، به ضرر مردم ایران می دانیم.

راهکار حزب ما برای همکاری با مردم داخل کشور

پیش از ورود به بحث بد نیست یادآور شویم که خمینی، پس از تبعید به وسیله‌ی شاه از سال ۱۳۴۲ به مدت ۱۴ سال در خارج کشور علیه نظام سلطنتی فعالیت کرد تا در نهایت توانست با استفاده از ابزارهایی مانند تلگراف، نامه، نیروی انسانی آخوندها و امکانات مالی بازاری‌های پشتیبان خود، از خارج کشور حرکت مخرب خویش در سال ۵۷ را هدایت و با کمک چاشنی‌های دیگر به پیروزی برساند! پس اگر درست عمل کنیم، با توجه به گستردگی و تنوع و سرعت ابزار ارتباطات جمعی در فضای مجازی، ارتباط امن و مطمئن بین داخل و خارج کشور نمی‌بایست از دغدغه‌ها و ابزار نگرانی ما باشد.

برای آشنایی با روش کاری حزب ایران آباد در جهت تماس با هم‌میهنان در داخل و خارج از کشور برخی از گام‌های مسیر ارتباط بین حزب و علاقمندان را یاد آور می‌شویم:

• **گام نخست:** به وبسایت حزب ایران آباد (www.iraneabad.org) مراجعه کنید و متون پایه‌ای آن، مرانامه، برنامه‌ی سیاسی و اساسنامه را مطالعه کنید. پس از کسب اطمینان از موافقت نسبی با نظرات و دیدگاه‌های حزب، وارد بخش عضویت شده و فرم عضویت را تکمیل و ارسال کنید.

• **گام دوم:** پس از دریافت فرم عضویت، دفتر نیرویی حزب با شما از طریق ابزار ارتباطی که انتخاب کرده‌اید و با رعایت نکات امنیتی وارد تماس شده و راهنمایی‌ها و آموزش‌های لازم را به مرور زمان در اختیار شما قرار خواهد داد.

• **گام سوم:** بر اساس راهکارها و آموزش‌های ارائه شروع به کار کرده و پیوند و ارتباط خود با حزب را حفظ نمایید.

با طی کردن این سه گام، کنشگران سیاسی حزب ایران آباد، روش کاری آن را برای ادامه‌ی فعالیت خود به کار خواهند گرفت. روش «سازماندهی» برای اعضای در خارج کشور به کار گرفته می‌شود و در داخل کشور اساس کار بر روش «خودسازماندهی» است.

در روش نخست، یعنی سازماندهی، عضو در تماس منظم با حزب، و وظائف خود را که از طریق سلسله مراتب به وی ابلاغ می‌شود به شکل دقیق، حرفه‌ای و روشمند به انجام می‌رساند؛ در حالی که در روش دوم، یعنی خودسازماندهی برای کنشگران درون کشور، سلسله مراتب، چهارچوب کلی فعالیت‌ها را تعیین و ابلاغ می‌کند و تیم‌های داخلی کنشگر این خطوط کلی را بنا به شناختی که از شرایط حوزه‌ی فعالیت خود دارند و با رعایت نکات امنیتی به پیش برده و عمل خواهند کرد. با توجه به شرایط ویژه‌ی حاکم بر کشور، حزب ایران آباد برای اعضای و کنشگران داخلی روش خودسازماندهی را مناسب می‌داند. بدین معنا که مسیر کلی مبارزاتی از جانب ما ترسیم شده و نوع و

زمان اجرای آن بنا به تشخیص نیروهای برون مرزی گذاشته می‌شود. تأکید ما بر این روش، و احتراز از هر نوع فعالیت مبتنی بر تماس مستقیم تشکیلاتی-در قالب شبکه و شاخه که پیش از این از سوی برخی جریان‌های اپوزیسیون تجربه شده و از لحاظ امنیتی کنشگران را بسیار صدمه‌پذیر می‌کند- از آن روست که ارزش جان تک تک انسان‌ها، از جمله کنشگران ما در ایران، به عنوان یک حزب انسان‌مدار بالاتر از هر موضوع دیگری برای ماست و به کارگیری تمام توان و دانش و خلاقیت این تشکل در مسیر حفظ امنیت عزیزان کنشگر داخل کشور از اصول پایه‌ای کار ما می‌باشد.

برای آغاز به کنشگری با استفاده از روش خودسازماندهی، نخست یک فرد قابل اعتماد، اخلاق‌مدار و دارای توان بالقوه برای کار جمعی را پیدا کنید. این شخص می‌تواند در حلقه‌ی نزدیکترین افراد به شما، مانند اعضای خانواده و یا دوستان نزدیک وجود داشته باشد. اگر نبود پیشنهاد می‌کنیم به سراغ کسانی بروید که پایبند به اخلاق و ارزش‌های انسانی باشند، چرا که مخالفان این رژیم ضدانسان و ضد اخلاق در صفوف همین شهروندان یافت می‌شود. پس از آن که فرد انتخاب شده را با دیدگاه‌های مبارزاتی خود آشنا کردید و نشانه‌های استقبال از این نظرات را در او دیدید، از وی دعوت کنید تا در یک گروه دو نفره با شما آغاز به همکاری کند. در ادامه، چنانچه جدیت و پایداری در عملکرد او مشاهده کردید، وی را با حزب آشنا کنید تا او هم به طور مستقیم روند عضویت را طی کرده و راهکارها و آموزش‌های لازم را دریافت نماید. از همه مهم‌تر، در کنار یار خود، به دور از احساس‌گرایی، هیجان و شتابزدگی، در یک حرکت مستمر، منظم و برنامه‌مند، کار را دنبال کنید.

آموزش‌هایی که از طریق رابط خود در حزب دریافت خواهید کرد، شما را با مواضع و خطوط فکری و کاری ما بیشتر آشنا خواهد کرد تا بتوانید در چهارچوب کلی ترسیم شده توسط حزب مبارزات خود را به پیش ببرید. به عنوان مثال خواهید آموخت که عملیات تروریستی، ماجراجویی مسلحانه و فعالیت‌هایی از این دست برای حزب ایران آباد ضد ارزش است و به هیچ روی چنین روش‌هایی را توصیه نمی‌کند. در این راستا، ما حتی با گرفتن جان شبه انسان‌هایی مانند قاضی مرتضوی نیز مخالفیم. چرا که بر این باوریم که این جانایان باید دستگیر شده و در دادگاه‌های صالحه محاکمه شوند تا ابعاد جنایات و اعمال ضد بشری آن‌ها با دقت بررسی، موشکافی و در تاریخ ثبت گردد. کشتن جنایتکارانی از این دست نفاط ابهام در سرنوشت خون‌بار مردم ایران در این چهار دهه را حفظ خواهد کرد و ابعاد گسترده‌ی این فاجعه به درستی شناخته خواهد شد. کشف حقیقت جنایت از مجازات جنایت اگر مهم‌تر نباشد کم اهمیت‌تر نیست.

اما از سوی دیگر، به عنوان یک حزب انسان‌مدار، دفاع از جان خود و دیگران در برابر دشمنان انسان و انسانیت را حق

"تا کنیم آزاد هم آباد ما ایرانمان"

سراینده: تباہ

می رسد از شش جهت بر جان من تیر و سنان
کشورم را کرده اند ویران این اهریمنان

رنگ آبادی نمی بینم به چشم از هیچ سوی
بوی آزادی نمی آید زندانیست آن

مردمانی گنگ و مسخ و مزمل
مردمی ترسیده و لرزان به هرسوی دوان

بی هنر از هرچه در انبان انسانیت است
می فروشند خویش را بر این سگان از بهر نان

کرده اند اخلاق ها را پایمال چهل و ترس
چهل اینجا حاکم است و ترس و فقر بی امان

کرده اند اندیشه را در بند اوهمات و چهل
داده اند افکارها را بر خرافات سگان

جرأت فریاد حق خواهی نمی آید به گوش از هیچ سوی
گویا بربیده اند از کف در دهان ها هر زبان

گویی از دلها این مردم جگر را کنده اند
ملتی را کرده اند بی مغز و بی دست و دهان

نرم همچون موم اندر چنگ استبدادیان
ملت تاریخ داری کرده اند بی استخوان

برده اند اسطوره های خویش را از یاد ها
کاوه ای را بی درفش و آرشی را بی کمان

برنمی خیزد کسی اینجا به جنگ ذلتی
کشوری را کرده اند زندان بی سقف جهان

ننگ بر من، ننگ بر ما کمتر از کرمی شدیم
مرگ بر ما فرض باشد مرده ایم ما بی گمان

قرن هاست در چنگ استبدادها جان میدهیم
خیز تا باهم ز نیم فریادهای بی امان

کشور دیگر بسازیم، میهنی دیگر ز نو
تا کنیم آزاد هم آباد ما ایرانمان

ذاتی خود می دانیم، حتی اگر این دفاع منجر به مرگ دشمن شود، که در این صورت مسئولیت به گردن وی می افتد، چرا که تعرض و تجاوز را او بوده که آغاز کرده است.

نکته‌ی دیگری که از طریق آموزش‌ها به شما انتقال خواهد یافت، درک درست از استراتژی کاری ماست که به عنوان حزب سیاسی خود را موظف می‌دانیم گام به گام و مرحله به مرحله به اجرا گذاریم. در این راستا، از کنشگران داخل کشور دعوت می‌شود فعالیت‌های خود را در هماهنگی با تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مقطعی حزب به پیش برند. این هماهنگی مورد به مورد سبب همسویی کلی کار می‌شود و دست‌آوردهای ارزشمندی برای موفقیت مبارزه به همراه خواهد داشت.

ما از تیم‌های کنشگر، از همان آغاز که دو نفر هستیم، دعوت می‌کنیم برای خود یک سرپرست انتخاب کنند و با گذشت زمان نفرات دیگری که از نظر امنیتی تأیید شده و مورد اعتماد باشند را با موافقت دیگر اعضای به تیم خود دعوت کرده و به تدریج آموزش‌ها را به ایشان انتقال دهند. شما با آموختن راهکارهای حزب ایران آباد، قادر خواهید شد روش کاری عقلانی و منضبطی را به خدمت خود در آورید. یک روش کار جمعی که مبتنی خواهد بود بر: (۱) انتخاب فعالیت مبارزاتی در چهارچوب خطوط کاری حزب (۲) مشورت و بهره‌گیری از خرد جمعی (۳) تقسیم کار جمعی (۴) پیشبرد کار با رعایت نکات امنیتی (۵) ثبت تجربیات کاری موفق برای انتقال به اعضای جدید.

تماس شما با حزب به شکل حداقلی خود و تنها در صورت تشخیص ضرورت از جانب شما و با رعایت نکات امنیتی^۲ که به شما آموزش داده خواهد شد صورت خواهد گرفت.

*

نتیجه گیری

در یافتیم که بر خلاف تصویری که می‌گویند نیروهای سیاسی خارج از کشور و نیروهای اجتماعی داخل کشور نمی‌توانند با هم در پیوند باشند، این کار نه فقط ممکن بلکه ضروری است. حزب ایران آباد از ابتدای فعالیت خویش این امر مهم را پیگیری می‌کند و از همه‌ی علاقمندان به فعالیت‌های سیاسی داخل و خارج از کشور می‌خواهد که با پیوستن به حزب، بستر مناسب برای کنشگری خود را بیابند. امکانات تکنولوژیک دنیای امروز مرزهای میان داخل و خارج را برداشته است. در حال حاضر آن چه برای کار منظم در داخل و در پیوند با نیروهای مردمی در خارج لازم است، اراده و خواست هموطنان در درون کشور است. به محض این که اراده فعال شد می‌توانیم راهکارهای مناسب و امن را یافته و فعالیت خود را شروع کنیم. #



^۲ شرایط امن تماس از جمله در سایت sazmandehi.org به صورت عمومی در اختیار علاقمندان قرار دارد.

تحرز:

ابزار تبدیل روشمند آرزو به واقعیت

- بخش دوم -

دفتر تولید، پژوهش و آموزش حزب ایران آباد

پیشگفتار

بدون شک سرزمین ما در یکی از تیره‌ترین و دردناک‌ترین برهه‌ها از تاریخ خود به سر می‌برد. نزدیک به چهار دهه است که سلطه‌ی رژیم غیرمردمی، خودکامه و متکی بر جهل و خرافات مذهبی، به دلیل فساد و ناکارآمدی نهادینه در تمامی عرصه‌های مدیریتی جامعه و اعمال یک سیاست خارجی مبتنی بر ماجراجویی و آتش‌افروزی در جهان و منطقه، ایران را به سمت ویرانی سوق می‌دهد، به نحوی که تمدن ایرانی را تا لب پرتگاه نیستی به پیش برده است. شدت و وسعت این روند تبااهی به حدی است که حتی اگر امروز هم متوقف شود، کارزار بازسازی کشور ده‌ها سال به طول خواهد انجامید. این واقعیت هولناک در مقابل چشمان حیرت‌زده‌ی ما در حال رخ دادن است و اگر نخواهیم به غفلت خودخواسته فرو رویم، در ذهن ما پرسش‌هایی شکل می‌گیرد:

- ملت‌های دیگری هم در مقطعی از تاریخ خود را به خواب غفلت زدند و به نیستی گراییدند، سرنوشت درآورد آن‌ها به شهروندان ایرانی چه می‌آموزد؟
- آیا محکوم به پذیرش چنین سرنوشت محتومی برای ایران و نسل‌های آینده‌ی آن هستیم؟ و یا هنوز امیدی به یافتن راه برون‌رفت و رهایی ایران از این روند تبااهی باقی مانده است؟
- آیا روش‌های مبارزاتی ناکام گذشته، می‌توانند به کار امروز ما بیایند؟ و یا این که به نگرش و کنشی متفاوت در این راستا نیاز داریم؟

در بخش نخست این نوشتار که در شماره‌ی پیشین خودرهاگر انتشار یافته بود، نوشته بودیم:

“در چارچوب اپوزیسیون ایرانی تاکنون، امر براندازی رژیم و ریشه‌کردن استبداد در کشور ما بیش از هرچیز به صورت آرزومندی و کلی‌گویی مطرح شده است و نه یک پروژه‌ی سیاسی دارای قابلیت اجرایی. اینک وقت آن رسیده، چنانچه

دارای آرمان تغییر در جهت مثبت تاریخ در ایران هستیم، آن را به چشم یک طرح سیاسی بنگریم.”

در ادامه با نگاهی به آرزوهای سیاسی مردم ایران، به جستجوی پاسخ‌هایی از سر علم و خرد به پرسش‌های مطرح شده در بالا می‌رویم تا ببینیم به جز از طریق تحزب، روش عقلانی دیگری نیز برای دستیابی به این آمال و اهداف می‌تواند وجود داشته باشد یا خیر.

آرزوی سیاسی چیست؟

آرزو در معنای عام خود، ایده و آرمانی است توأم با احساسات، که فرد یا جامعه به شکل کلی دنبال می‌کند و در جستجوی دستیابی به آن است.

هر انسان، جدا از آرزوهای فردی، به عنوان شهروند، برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، دارای آرزوهایی است. همانگونه که هر جامعه و هر ملتی دارای آمال و آرزوهایی سیاسی-اجتماعی است که به آن‌ها به چشم کمال مطلوب خود می‌نگرد. آزادی سیاسی، رفاه اجتماعی، برخورداری از حقوق بشر، داشتن آبادانی و شکوفایی اقتصادی در شمار این دست آرزوها هستند. داشتن ایده، میل و آرزوی سیاسی- که به آن آرمان نیز گفته می‌شود-، نخستین مرحله و شرط لازم برای حرکت به سمت کمال مطلوب و هدف نهایی است. مردم ایران از این قاعده مستثنی نیستند و مانند سایر ملل، آرمان‌ها و آرزوهایی دارند که حداقل یک صد سال است به صورت فعال یا غیرفعال دستیابی به آن‌ها را خواهانند.

از زمان مشروطیت تاکنون، ما همواره به دنبال رسیدن به آزادی، دموکراسی، مردم‌سالاری، تفکیک قوای سه‌گانه و برقراری عدالت اجتماعی در ایران بوده‌ایم. آمالی که یا به شکل آشکار و علنی، یا به صورت ضمنی و حدودی، این سوی و آن سوی مطرح کرده و می‌کنیم و همواره جزئی از مطالبات سیاسی ما بوده است.

اما نگاه بی‌طرفانه به تاریخ معاصر ایران این نکته را آشکار می‌کند که برداشت و نوع مشارکت ایرانی‌ها در کار سیاسی و

انجام کارها در قالب پروژه، طرح، استراتژی و یا نقشه‌ی راه، -اعم از آن که کوچک و کم اهمیت باشد مانند انجام کارهای معمول روزمره، و یا بزرگ و مهم باشد مانند برنامه‌ریزی برای در پیش گرفتن تحصیلات، ازدواج و یا پروژه‌های اقتصادی برای کسب درآمد- روشی است که آگاهانه یا ناخودگاه در زندگی شخصی ما صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، برای تهیه غذا و یا تربیت و آموزش فرزندان خود، ما تنها به داشتن خواست و آرزو اکتفا نمی‌کنیم، بلکه طرح می‌ریزیم و طبق آن عمل می‌کنیم. واضح است که در ارتباط با جنبه‌های جمعی زندگی نیز داشتن طرح و پروژه برای دستیابی به آرزوهای اجتماعی-سیاسی نیز به همان اندازه اهمیت دارد و می‌بایست به کار گرفته شود. پس چنانچه نه صد سال، که پانصد سال دیگر هم در شعر و ادبیات و ترانه به دنبال آرزوهایمان برای ایرانی آباد و آزاد بگردیم، تا زمانی که آن را در قالب پروژه سیاسی در نیابوریم و به حرکت و تلاش پیگیر و هدفمند در راه دسترسی به آن گام برنداریم، به این آرزوهای زیبا و انسانی دست نخواهیم یافت! هر آنچه پیشرفت و ترقی در جهان است به واسطه‌ی آن است که گروهی از انسان‌ها آرمان‌ها و آرزوهای خود را نخست به صورت پروژه در آورده‌اند و سپس برای اجرای این پروژه به شکل مدیریت شده عمل کرده‌اند.

اما در امتداد چنین استدلالی چند پرسش اساسی مطرح می‌شود:
- چه کسانی قرار است آرزوهای سیاسی مردم ایران را به پروژه‌ی سیاسی تبدیل کنند؟

- کدام نیروها قرار است این پروژه‌ی سیاسی را پیاده کنند؟
- نیروهای اجرایی پروژه، چگونه و از چه طریق برای اجرای پروژه آماده می‌شوند و پرورش می‌یابند؟

حال اگر نخواهیم برای یک ایران رو به ویرانی در مرحله‌ی آرزوی زیبا باقی بمانیم و یا بار دیگر سرنوشت خود را به دست انگلیس، اسرائیل و آمریکا و ... بسپاریم، وقت آن است که پاسخ درست به پرسش‌های طرح شده را پیدا کنیم.

نخستین راهنمای ما تجارب ملت‌های دیگر در این زمینه است، جوامعی که این راه پر فراز و نشیب را پیموده‌اند و در مسیر دستیابی به آمال و آرزوهای خود حرکت‌های موفقیت‌آمیز انجام داده‌اند. مطالعه‌ی تاریخ این جوامع یک درس اساسی برای ما دارد: تاکنون هیچ کشوری در دنیا نبوده است که مردمش به آمال و آرزوهای سیاسی خود دست یافته باشند بدون آن که این مهم را از طریق احزاب سیاسی به پیش برده باشند؛ احزابی که مسیر دستیابی به آرمان سیاسی را در قالب یک پروژه- که همانا استراتژی یا برنامه سیاسی است- در آورده و راهی که باید پیموده شود و مراحل، موانع و نیازهای آن را به جامعه‌ی خود ارائه می‌دهند.

چگونگی برخورد آن‌ها با مشکلات جمعی به گونه‌ای بوده که دستیابی به آمال سیاسی در همان مرحله‌ی نخست، یعنی داشتن آرزو، باقی مانده است. حافظه‌ی جمعی ما و ادبیات سیاسی ما سرشار از سخن درباره‌ی آرزوهای ماست، اشعاری زیبا سروده ایم و آثاری هنری آفریده‌ایم، اما رسیدن به این آرزوها را به دست زمان سپرده‌ایم و گرایش به قضا و قدر را در ضمیر ناخودآگاه پرورانده‌ایم.

بحث بر سر حماسه‌آفرینی مردان بزرگ تاریخ سرزمین ما، به ویژه از جان گذشتگان دهه‌های اخیر نیست، صحبت بر سر اندازه‌گیری عینی پیشرفت ملت ایران در مسیر دستیابی به آرمان‌های سیاسی خود است. تنها به میزان احترام و حفظ نهادینه‌ی اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی و مدنی شهروند ایرانی توجه کنیم. بیش از صد سال است که برای بهروزی انسان تلاش می‌کنیم، با این وجود قرار است تا ده سال دیگر بیش از پنجاه میلیون ایرانی، از ترس مردن به دلیل خشکسالی و بی‌آبی، وطن خود را به سمت سرنوشتی نامعلوم ترک کنند. سخن در ارتباط با سایر آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی را کوتاه می‌کنیم که دیگر کسی نیست از آن‌ها اطلاع نداشته باشد. اما درصد ایرانی‌هایی که در انفعال تمام به تماشا نشسته‌اند و گاه آهی از سر حسرت می‌کشند وحشت‌انگیز است؛ گویی بنا نیست زمانی این مصیبت‌ها گریبان آن‌ها را هم بگیرد.

اینجاست که در پاسخ به نخستین پرسش باید گفت، تاریخ بشر نشان داده، هیچ ملتی تاکنون به صرف داشتن آرزو به به کمال مطلوب خود دست نیافته است، یا برای رسیدن به آن‌ها تلاش روشمند و مؤثر کرده است و یا نابودی و تباهی را از آن خود، برای ما نیز استثنایی وجود نخواهد داشت. فاصله بین ایده، آرمان، هدف و آرزو و دستیابی به آن‌ها با کار و تلاش پیگیر و هدفمند طی می‌شود و نه با انتظار معجزه. هر جامعه‌ای که تاکنون توانسته به آمال خود نزدیک شود، جامعه‌ای بوده که شهروندانش دریافته‌اند مسیر رسیدن به هدف را نخست به صورت یک نقشه‌ی راه طراحی کنند و بعد این پروژه سیاسی را، گام به گام به مرحله‌ی اجرا بگذارند.

پروژه‌ی سیاسی چیست؟

پروژه در مفهوم کلی خود عبارت است از:

مجموعه‌ای طراحی شده از راهکارها و وظائف دارای پیوند متقابل که در یک بازه‌ی زمانی تعیین شده، در چارچوب هزینه، سرمایه و امکانات مادی و نیروی انسانی مشخص، به صورت مدیریت شده و برای رسیدن به هدف مطلوب، مرحله به مرحله به اجرا گذاشته می‌شود.

• **حزب سیاسی به نیروی انسانی نیاز دارد:**

حزب سیاسی، علاوه بر پایه‌های فکری خود، با استراتژی یا برنامه‌ی سیاسی خود بازشناسی می‌شود، یک استراتژی دارای مراحل لازم که هر کدام از آن‌ها با تبدیل به پروژه‌ی سیاسی باید اجرایی شوند. اما این مهم بدون حضور نیرو و نفرات لازم در صفوف آن حزب شدنی نیست، حزب ساختاری است متشکل از افراد انسانی و بدون وجود آن‌ها بهترین برنامه‌های سیاسی نیز به روی زمین می‌ماند. تخصص، دانش، امکانات مالی و صرف وقت و انرژی عناصری هستند که حزب سیاسی نیاز دارد تا بتواند به عنوان یک نیروی سیاسی در صحنه مطرح شود. معادله ساده، قابل فهم و در عین حال دو طرفه است: ما برای تبدیل آرزوهایمان به احزاب سیاسی نیاز داریم و احزاب سیاسی برای تبدیل این آرزوها و اجرای آنها به وجود متشکل و سازمان یافته‌ی ما در درون خود. در کنار آن دیگرانی که ناآگاه، در خواب غفلت یا گرفتارند و نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند این ما ایرانیان هشیار، آگاه و مسئولیت‌پذیر هستیم که باید وقت، توان، دانش و پایداری خود را در اختیار احزاب مستقل و مردمی بگذاریم و به طرح‌ها و پروژه‌های آن‌ها برای بازسازی جامعه‌ی ایرانی بپیوندیم. این کار باید چندین دهه‌ی پیش به شکل جدی خود شتاب می‌گرفت تا سرنوشت امروز کشور ما در مسیر متفاوتی قرار گرفته باشد و چنین نشد. در این زمان اما، آه و حسرت ما را به جایی نخواهد رساند، اکنون شروع کنیم که راه دیگری وجود ندارد و صد سال دیگر هم اگر صبر کنیم تغییری در این واقعیت ایجاد نخواهد شد.

ادامه مطلب در صفحه ۱۱

به ملت آمریکا نگاه کنیم و مسیری که برای کسب استقلال خود پیموده است. آیا جنگ، مقاومت و در نهایت رهایی از سلطه‌ی استعمار بریتانیا، بدون وجود احزاب سیاسی قدرتمند می‌توانست میسر شود؟ و پس از اعلام استقلال، اگر نبود حاصل کار و تلاش احزاب سیاسی در آن زمان، نگارش قانون اساسی، برگزاری انتخابات، ایجاد کنگره، و برقراری سیستم مدیریت سیاسی جدید می‌توانست شکل بگیرد؟ آیا اگر مردم آمریکا تنها در حد بیان آرزوی استقلال باقی مانده بودند و از بین آن‌ها افراد آگاه و مسئولیت‌پذیری پیدا نمی‌شد که این آرزو را از طریق احزاب سیاسی در قالب پروژه‌ای راهبردی به پیش برند، این کشور همانی بود که امروز هست؟ بحث ما در اینجا یک بحث تکنیکی و اجرایی‌ست و به هیچ روی به این معنای تأیید نظام سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا نیست که دغدغه‌ی آن خدمت به اقلیت ثروتمند است و نه برآورده کردن آرزوهای امروزی اکثریت مردم این کشور.

تاریخ بشر ثابت کرده، تاکنون هیچ دیکتاتور و مستبدی در مسیر تحقق بخشیدن به آرزوهای مردم حرکت نکرده است و دولتمردان منفرد هم، اگر از حمایت احزاب برخوردار نبودند، حتی اگر آن‌ها را خواستند، نتوانستند.

حزب، ابزار تبدیل آرزوهای سیاسی به واقعیت

طی نهضت مشروطه، زمانی که پیشگامان دلاور برای رهایی ایران از خودکامگی فردی و دستیابی به قانونسالاری اجتماعی مبارزه خود را آغاز کردند، از کنش سیاسی در قالب احزاب در دیگر جوامع بیش از یک قرن می‌گذشت. آن بخش از متفکران و روشنفکران که تجربه‌ی زیست و کسب تحصیل در خارج از کشور را داشتند، با پدیده‌ی تحزب آشنا شده بودند و به اهمیت وجودی آن برای پیشبرد مؤثر نهضت واقف بودند، ولی ایجاد این قدرت تشخیص و انتقال درک ضرورت ایجاد احزاب در جامعه‌ای که ۹۰ تا ۹۸ درصد آن بی‌سواد بودند کار آسانی نبود. اما امروز چطور؟ ۱۱۰ سال پس از مشروطه و تلاش‌ها و شکست‌ها و سرخوردگی‌ها؟ آیا جامعه‌ای با ۴ میلیون دانشجو، نزدیک به ۲۵ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاه، ۱۸ میلیون زن تحصیلکرده هنوز به این درجه از درک نرسیده که نجات او از طریق رفتن به سمت تحزب شدنی است؟ راه حل مشکل پیش روی ماست و از نسل جدید انتظار می‌رود برای تأثیرگذاری در سرنوشت فردی و جمعی خود و زیستن در کشوری آزاد و آباد به یگانه راه حل عقلانی و خردگرایانه‌ی رسیدن به آرزوها که همانا تحزب باشد روی آورند. در این مسیر می‌بایست، به همت شماری از هموطنان آگاه و مسئولیت‌پذیر، به نیازهای احزاب سیاسی پاسخ داده شود تا با تبدیل شدن به احزاب قوی توان عمل و اجرا کردن پروژه‌های خود را پیدا کنند:

ما برای تبدیل آرزوهایمان به احزاب سیاسی نیاز داریم و احزاب سیاسی برای تبدیل این آرزوها و اجرای آنها به وجود متشکل و سازمان یافته‌ی ما در درون خود. در کنار آن دیگرانی که ناآگاه، در خواب غفلت یا گرفتارند و نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند این ما ایرانیان هشیار، آگاه و مسئولیت‌پذیر هستیم که باید وقت، توان، دانش و پایداری خود را در اختیار احزاب مستقل و مردمی بگذاریم و به طرح‌ها و پروژه‌های آن‌ها برای بازسازی جامعه‌ی ایرانی بپیوندیم.

هدایت شود که بتواند مدیریت اجرایی پروژه‌های پیشنهادی خود را به دست گیرد. آن چه به مراتب دشوارتر از مراحل پیشین به نظر می‌رسد، پیشبرد گام به گام پروژه سیاسی، کسب نتیجه و موفقیت و به خصوص حفظ دستاوردهای این موفقیت‌ها و جلوگیری از بازگشت به عقب است.

هدایت و مدیریت پروژه‌ی سیاسی، همچون هر شکل دیگری از پروژه -اقتصادی، مالی، فرهنگی و غیره- امری تخصصی است و نیازمند به دانش و تجربه در این عرصه. شوربختانه، جدا از اراده و پشتکار و فداکاری، که نزد رهبری بسیاری از سازمان‌های سیاسی ایرانی کم نبوده، ضعف مدیریت حرفه‌ای سیاسی از کمبودهای اساسی و ریشه‌ای آن‌ها بوده است.

از دست دادن چندین باره‌ی فرصت‌های تاریخی تغییر در ایران و شکست‌های مکرر در جنبش آزادی‌خواهی مردم ما، چه بسا به دلایل مشابه، از جمله نبود و یا کمبود عنصر مدیریت سیاسی تخصصی، عقلانی، تکنیکی، غیر ایدئولوژیک و رها از تعصب در سطح رهبری احزاب و تشکل‌های ایرانی بوده است. این نکته بار دیگر اهمیت و ضرورت پیوستن شهروندان متخصص و کارشناس، از جمله در عرصه‌ی علوم سیاسی و اجتماعی به احزاب سیاسی ایرانی را پررنگ‌تر می‌کند.

نتیجه گیری

روند تغییر در جهت مثبت تاریخ در ایران شکل نمی‌گیرد مگر آن که آمال و آرزوهایمان را به دست احزاب مردمی به یاری پروژه‌ی سیاسی تبدیل کنیم، این احزاب را تقویت و حمایت کنیم، به آن‌ها ببیندیم و مراحل فرآیند گذار از آرزو به واقعیت را آن گونه که باید طی کنیم، همچون تمامی جوامع بشری:

آرزوها و آرمان‌ها < تبدیل آرزوها به پروژه‌ی سیاسی توسط احزاب < تدارک نیروی انسانی برای احزاب < تدارک امکانات مالی و مادی برای احزاب < مدیریت و رهبری حرفه‌ای پروژه توسط احزاب < کسب موفقیت‌های گام به گام و ماندگار < حفظ دستاوردهای آن.

رفتن دوباره و چند باره از یک مسیر غلط ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند. آرزوگرایی و آرمان‌خواهی سیاسی ما، چنانچه در حد خواست و احساس باقی بماند و توسط احزاب تبدیل به پروژه‌ی سیاسی نشده و به اجرا درنیاید، هرگز تحقق نمی‌یابند و چه بسا شاهد پایان تمدن ایران به شکل کنونی خود باشیم. پس وقت را تلف نکنیم و از این یگانه راهی که برای نجات میهن وجود دارد بهره برده و در صف احزاب مردمی و قدرتمند وارد عمل شویم. حزب ایران آباد، نخستین حزب انسان مدار در عرصه‌ی سیاسی ایران از هموطنان دعوت می‌کند، مرانامه و برنامه‌ی سیاسی آن را مطالعه فرموده و داوطلبانه و آگاهانه به صفوف آن ببیندیم تا دست در دست هم کشورمان را از این نابودی برنامه‌ریزی شده نجات دهیم. #

دستیابی به آرزوهای مردم ایران هزینه دارد و یکی از این هزینه‌ها فعالیت جدی بخشی از شهروندان ما در درون احزاب سیاسی است؛ همانگونه که نزد دیگر ملل چنین بوده است. چنانچه آزادی، دموکراسی، رفاه، امنیت، آسایش، اقتصاد شکوفا و یا حتی آب و هوا و غذای سالم برای خود و آیندگان این سرزمین می‌خواهیم به خود بگوییم که دیگری به جای ما این کار را انجام نخواهند داد. در حزب ایران آباد، بر این باوریم که به طور قطع حداقلی آگاه در بین هموطنان خارج و داخل کشور هستند که این ضرورت را به درستی دریافته‌اند و مایل هستند با ایجاد، حمایت و تقویت احزاب مردمی به پای تبدیل ایده‌ها و آرزوها به پروژه‌ها و پروژه‌ها به واقعیت مطلوب بروند. ما از شما دعوت می‌کنیم، اگر نه به حزب ما، به دیگر احزاب ببیندند و از آن‌ها حمایت کنید.

• حزب به امکانات مالی نیاز دارد:

همانگونه که دشمنان ما، میلیاردها دلار را برای تخریب کشور در اختیار دارد، احزاب مردمی هم برای مقابله با آن‌ها به امکانات مالی و مادی نیازمندند. مادام که احزاب سیاسی ما مورد حمایت مالی ایرانیان، -اعضای خود و آن بخش که قادر نیستند با عضویت توان و وقت خود را در اختیار این تشکل‌ها بگذارند- قرار نگیرند، رسیدن به آرزوهای سیاسی ملت ایران با پیشبرد آن‌ها در قالب پروژه ناممکن است.

• حزب به مدیریت و رهبری احتیاج دارد:

حزب سیاسی، پس از گرد هم آوردن اعضاء و کادر کافی، فراهم آوردن امکانات مالی مورد نیاز، می‌بایست به درستی

رفتن دوباره و چند باره از یک مسیر غلط ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند. آرزوگرایی و آرمان‌خواهی سیاسی ما، چنانچه در حد خواست و احساس باقی بماند و توسط احزاب تبدیل به پروژه‌ی سیاسی نشده و به اجرا درنیاید، هرگز تحقق نمی‌یابند و چه بسا شاهد پایان تمدن ایران به شکل کنونی خود باشیم. پس وقت را تلف نکنیم و از این یگانه راهی که برای نجات میهن وجود دارد بهره برده و در صف احزاب مردمی و قدرتمند وارد عمل شویم.

پنج پرسش و پاسخ در پیوند با حزب ایران آباد



دفتر تولید، پژوهش و آموزش حزب ایران آباد

پیشگفتار

واژه‌ی حزب، بار معنایی خود را دارد، به هرسازمان و تشکل دارای فعالیت سیاسی حزب اطلاق نمی‌شود. حزب سیاسی نهادی است که هدف آن کسب قدرت سیاسی باشد. به این ترتیب مجموعه‌هایی همچون انجمن، شورا، و یا سایر تشکل‌هایی که روشنگری، خبررسانی، دفاع از حقوق بشر و غیره را به عنوان مأموریت خود تعیین کرده و به دنبال کسب قدرت سیاسی نیستند را نمی‌توان حزب نامید.

حزب ایران آباد، هم اکنون در چهارمین سال از فعالیت خود، جای خود را در عرصه‌ی سیاسی ایران تا حدی باز کرده است. پیش از آن نیز جریان فکری که از طریق سازمان خودرهاگران به عنوان یک سازمان فرهنگی-سیاسی تلاش بر شناساندن دو مفهوم 'انسان مداری' و 'قدرت اجتماعی' را داشت، توانسته بود خود را نزد بخشی از هموطنان داخل و خارج از کشور مطرح کند. برای آغاز به کار در قالب نخستین حزب سیاسی انسان‌مدار ایرانی، با انتخاب تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۲ - سالروز ملی شدن نفت در پی نهضتی ملی به رهبری دکتر مصدق-، ما سربلندی و سرافرازی انسان ایرانی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دادیم؛ حزبی که خواهان ایرانی آزاد، آباد و پیشرفته است؛ ایرانی در همزیستی، صلح و آرامش با دیگر کشورهای جهان و منطقه.

این نوشتار به چند پرسش رایج در ارتباط با حزب ایران آباد پاسخ می‌گوید. با دنبال کردن 'به سوی ایران آباد' - برنامه‌ای که هر چهارشنبه در تلویزیون دیدگاه ارائه می‌شود-، می‌توانید با دیدگاه‌های حزب ما در زمینه‌های دیگر آشنا شوید:

۱ - گرایش سیاسی حزب ایران آباد چیست؟

پاسخ در این ویژگی‌ها خلاصه می‌شود: حزب ایران آباد حزبی است انسان‌مدار، حرفه‌ای‌گرا و متعارف که با تکیه بر خرد، دانش، علم و تجارب جوامع بشری به فعالیت می‌پردازد. به توضیحاتی در این ارتباط توجه فرمایید:

• حزب ایران آباد حزبی است انسان‌مدار.

در فرهنگ سیاسی ایران «انسان‌مداری» واژه‌ای ست نو و مفهوم آن هنوز به درستی جا نیافتاده است. علت آن را از جمله می‌توان وجود تشکل‌ها و احزاب ایرانی دانست که کار سیاسی را با پای‌بندی به یک ایدئولوژی همچون کمونیسم، سوسیالیسم، مارکسیسم-لنینیسم، ناسیونالیسم، ملی‌گرایی، سلطنت‌طلبی و غیره همراه کرده‌اند. مکاتب فکری که این احزاب خود را با آن معرفی می‌کنند کمابیش شناخته شده هستند و شاید به همین دلیل هم باشند که در اذهان مردم ما واژه‌های حزب و ایدئولوژی به هم گره می‌خورند. زمانی که حزب ایران آباد برای نخستین بار در فضای سیاسی ایران خود را به عنوان حزبی فاقد ایدئولوژی و متکی بر مکتب انسان‌مداری ارائه کرد، از سوی کهنه‌کاران سیاست تلاش شد آن را در یک گرایش شناخته‌تر چپ، راست و یا ملی‌گرا دسته‌بندی کنند. در حالی که حزب ما بر آن است که جنبه‌های مثبتی که در دیگر ایدئولوژی‌ها یافت می‌شود را- همچون خوشبخت زیستن انسان‌ها، رساندن آن‌ها به مراتب عالی اخلاق انسانی، رفاه، پیشرفت و دستیابی به آزادی و دموکراسی- مبنای فکری و کاری خود قرار دهد، بدون آن که در این میان هیچ ارزشی را فراتر از جان و کرامت انسان قرار داده باشد، و این همانا مبنای مکتب انسان‌مداری است.

بنیان و اساس فکری حزب ایران آباد به روی مفاهیمی بنا شده که فرهنگ و تمدن ایرانی زاینده آن بوده است. تاریخ ایران بیانگر این حقیقت است و در بطن فرهنگ ایرانی، به ویژه در دوران پیشا اسلام، زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ارزش‌گذاری به طبیعت و حیات انسان‌ها و گیاهان و حیوانات جزء تفکیک‌ناپذیری از تفکر ایرانی به شمار می‌رفته است. حزب ایران آباد، انسان‌را، به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از طبیعت و موجودی برتر که قادر به دستیابی بدون حد و مرز به پیشرفت و تعالی است، در مرکز حرکت خود قرار داده و هدف خود را ساختن جامعه‌ای انسانی تعریف می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن هر فرد بتواند خوشبختی را آن گونه که خود تعریف می‌کند تجربه کند.

فرهنگ غیر ایرانی طی چهارده قرن استقرار خویش در ایران

برای جامعه‌ی مرجع را به مرحله‌ی اجرا در آورند. حزب ایران آباد خود را از این تعریف مستثنی نمی‌داند و همچون سایر احزاب متعارف جهان، در دل خود انسان‌هایی آگاه، مصمم و اراده‌گرا را پرورش می‌دهد که برنامه‌ی سیاسی این حزب را پیاده کنند. حزب ما عضو می‌گیرد، کادرسازی می‌کند و با تلاش بی‌وقفه‌ی اعضا خود و با یاری پشتیبانان، هواداران و پایگاه اجتماعی خود در جهت گرفتن سهم از قدرت سیاسی تلاش می‌کند.

حزب ما از تمامی ویژگی‌های فنی، تکنیکی و مدیریتی سایر احزاب متعارف در سراسر جهان، اعم از هندی و بنگلادشی و یا آمریکایی و کانادایی برخوردار بوده و می‌کوشد با عضوگیری از میان شهروندان ایرانی، افراد مسئولیت‌پذیری را به جمع خود بیافزاید که می‌خواهند در زندگی اجتماعی و سیاسی خویش تأثیرگذار باشند. ایران ما هم مانند بسیاری از کشورها که شهروندان در سرنوشت خود دخالت می‌کنند، نیاز به احزابی دارد که، بدون آن که به فرقه و تشکل‌های مافیایی و انحصارگرا تبدیل و در خدمت آمال و آرزوهای یک یا چند نفر به کار گرفته شوند، به همه‌ی مردم تعلق داشته باشند. ما خواهان تغییرات مثبت در جامعه‌ی ایران هستیم و معتقدیم که این تغییرات زمانی ماندگار می‌شوند که از پایین به بالا و نه برعکس صورت گیرد؛ امری که تنها از طریق گسترش فرهنگ تحزب امکان‌پذیر می‌شود. تلاش ما برای پیشبرد مبارزات سیاسی در قالب یک حزب متعارف از همین باور برمی‌خیزد.

۲ - ایدئولوژی حزب ایران آباد چیست؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است نخست ایدئولوژی را تعریف کنیم: ایدئولوژی بسته‌ای از پیش آماده شده از پاسخ به برخی یا تمامی پرسش‌هاست.

حزب ایران آباد دارای ایدئولوژی نیست، اما این پرسش برای مخاطب می‌تواند ایجاد شود که مبنای فکری حزب ما کدام است؟ چه چیز در این حزب جایگزین ایدئولوژی قرار گرفته است؟ پاسخ ما روشن است: انسان‌مداری. در این مکتب فکری هیچ ارزشی بالاتر از انسان نمی‌تواند قرار گیرد. انسان و جان و کرامت او برتر از هر چیز است، برتر از میهن، پرچم، نژاد، قوم، مذهب و ایدئولوژی.

چهار اصل پایه‌ای درج شده در مرامنامه‌ی حزب ایران آباد (آزادی، عدالت، دموکراسی و دین‌جداگری)، مبتنی بر مکتب انسان‌مداری، همچون قطب‌نمایی، مسیر حرکت این تشکل را مشخص می‌کند و نخواهد گذاشت در یک مقطع یا مقطعی دیگر، از روی صلاح و مصلحت به اشتباه امری را برتر از جان و کرامت انسان بدانیم.

همواره سعی داشته‌ام ارزش‌گذاری به حیات و زندگی را از ذهن ما بزداید و محو کند، با فرهنگ مرگ و تقابل با شادی و خوشبختی انسان‌ها جانشین کند و وجود رژیم ضد ایرانی کنونی این گرایش را به شکل نگران‌کننده‌ای گسترش داده است. زمان آن رسیده که عرصه‌ی سیاست در ایران اصالت فرهنگ و تمدن ما را در خود انعکاس دهد و پای‌بند به ریشه‌ها و ویژگی‌های تفکر و فرهنگ انسان‌محور این تمدن کهن، به وجود خود نفسی تازه بدمد. تمدنی که ارزش‌های آن زاینده‌ی معنای انسانیت بوده و دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. حزب ایران آباد با انتخاب مکتب انسان‌مداری به عنوان مبنای فکری خویش، حفظ نهادینه‌ی جان و کرامت انسان را در سرلوحه‌ی تلاش‌های خود قرار داده است.

• حزب ایران آباد حزبی حرفه‌ای گرا.

حزب ما حزبی است حرفه‌ای گرا. بدین معنا که این حزب مبنای فعالیتش، به عنوان یک نهاد سیاسی را، بر روی علوم سیاسی امروزی گذاشته و روند کاری خود را بر اساس استانداردها و اصول مدیریتی به کار برده شده در احزاب سیاسی حرفه‌ای تنظیم می‌کند. ما به دنبال «اختراع» نوع جدیدی از تشکل‌یابی سیاسی نیستیم، بلکه بر آنیم با استفاده از تجارب سیاسی موفق موجود در جوامع دیگر، فعالیت‌های خود در فضای سیاسی ایرانی را به پیش برده و گسترش دهیم. در صف بنیان‌گذاران این حزب ما از حضور اساتید دانشگاهی بهره می‌بریم که به مبحث تشکل‌یابی سیاسی تسلط داشته و آن را تدریس می‌کنند. تلاش ما در راستای نهادینه کردن کار سیاسی حرفه‌ای در بین ایرانیان است و امید داریم در کنار حزب ایران آباد، احزاب دیگری نیز این گرایش را در ساختار تشکیلاتی خود پرورش دهند.

• حزب ایران آباد حزبی است متعارف.

پدیده‌ی تحزب از شناخت درستی در حافظه‌ی جمعی ایرانیان برخوردار نیست. کژفهمی‌ها در این زمینه گاه تا جایی به پیش می‌رود که برخی از شنیدن واژه‌ی حزب وحشت کرده و آن را تشکیلات مخوفی تصور می‌کنند که باید به هر قیمت از آن دوری جست. سیاست‌زدایی جامعه توسط حکومت‌های استبدادی حاکم بر ایران از یک سو، و مفهوم حزب به عنوان یک پدیده‌ی وارداتی از سوی دیگر از جمله دلایلی می‌توانند باشند که بدبینی و احتراز از احزاب سیاسی را دامن می‌زنند. بسیاری از هموطنان ما هنوز به تفاوتی که بین حزب سیاسی و انجمن، شورا و نهادهایی از این دست وجود دارد آگاهی ندارند و آن‌ها را همدریف یکدیگر می‌دانند. حال آن که حزب سیاسی تعریف مشخص خود را داراست: مجموعه‌ای است متشکل از افرادی دارای اهداف مشترک که با انتخاب و به اجرا گذاشتن برنامه‌ی سیاسی و استراتژی کاری خود به سوی سهم‌گیری از قدرت سیاسی گام برمی‌دارند تا بدین وسیله ایده‌ها و برنامه‌های خود

پاسخ فوق می تواند پرسش دیگری را به دنبال خود مطرح کند: در قریب به اتفاق احزاب ایرانی رایج بوده و هست که مسائل و رویدادها بر اساس یک ایدئولوژی مشخص تجزیه و تحلیل کردند و راهکارها برای رویارویی با مسائل نیز از دل همان ایدئولوژی بیرون کشیده شوند. حال با توجه به این که حزب ایران آباد فاقد ایدئولوژی است، آیا تکیه بر انسانمداری برای یافتن راه و روش مناسب و تکنیک های لازم برای پیشبرد استراتژی کاری آن کافی است؟

پاسخ ما مثبت است. روش کاری حزب ایران آباد به روی خردگرایی علمی استوار است، بر روی آنچه عقل و خرد انسانی حکم می کند؛ به شرط آن که مبنای آن داده های علمی و آزموده باشد. علم، انباشت عقلانیت و تجربه ای انسانی است، تجربیاتی که پس از تحقیق و راستی آزمایی و اطمینان از درستی آن ها، در قالبی روشن و قابل فهم در اختیار بشریت گذاشته می شود تا برای بهبودی خود از آن بهره مند شود. پایه ای کاری در این حزب را ما به روی خردگرایی و داده های علمی استوار است و چنانچه دانش روز به نتایج جدیدی برسد، از تطابق راهکارها به داده های جدید وحشتی نداریم. به زبانی دیگر، پاسخ ما به معضلات و مشکلات مبارزاتی از پیش تعیین نشده، بلکه مشاهدات دقیق، بی طرفانه به ما اجازه می دهد راهکار علمی و منطقی مناسب برای هر کدام از مقاطع مبارزاتی خود را مشخص کنیم.

حزب ایران آباد بر این باور است که راه حل ها برای اقتصادی شکوفا و پر رونق باید از دل علم اقتصاد بیرون کشیده شود، همانگونه پیشبرد مبارزات و نوع مدیریت سیاسی کشور باید بر اساس علوم سیاسی و مدیریتی روز باشد، و روش تقابل با معضلات و مشکلات اجتماعی عدیده ای جامعه ای ایرانی با استفاده از علم جامعه شناسی ارائه گردد. برای حزب ما حتی سخت ترین و پیچیده ترین بحران های حاکم بر ایران - همچون مشکل بی آبی- با بهره گیری از دانش و خرد علمی می توانند حل شوند و نه پاسخ های از پیش تعیین شده ی نظریه پردازان و تئوریسین های قرن هیجده و نوزده، و یا آنچه از لابلای خطوط کتب مذهبی تعبیر می شود. مبنای عملکرد ما در این حزب نه اقتباس کورکورانه، که علم و خرد و واقع گرایی است.

به موازات این روش کاری، ما در حزب ایران آباد از یک منش کاری نیز برخورداریم و آن عبارتست از اخلاق انسانی، مبتنی بر ارزش هایی که در آن رعایت جان و کرامت انسان نهادینه باشند. تلاش ما در مسیر تأمین خوشبختی و بهبودی برای همه ی انسان هاست، بدون آن که استثنایی بین آن ها بر اساس تعلقات قومی، نژادی، طبقاتی و غیره قائل باشیم. منش انسانمداری زیربنا و روش های مبتنی بر عقلانیت تخصصی روبرنای کار ما در حزب ایران آباد است. بدین ترتیب به باور ما در آینده ای متفاوت، هر حوزه از زندگی اجتماعی مردم ایران می بایست به

دست کارشناسان و متخصصین همان حوزه و تحت نظارت خرد جمعی مدیریت شود. امری که مفاهیمی همچون لائیسیته و قدرت اجتماعی را - که ما باور داریم از ضرورت های ساختن جامعه ای انسانی در ایران می باشند- معنا می بخشد.

۲ - هدف و آرمان حزب ایران آباد چیست؟

هدف ما، همانگونه که در مرانامه ای حزب ایران آباد درج شده است، رسیدن به یک جامعه ای انسانی است. این گزاره می تواند پرسش برانگیز باشد: ساختن جامعه ای انسانی؟ مگر جامعه ای غیر انسانی هم وجود دارد؟

پاسخ روشن است، بلی! علم جامعه شناسی به ما نشان می دهد که چگونه ممکن است یک جامعه در شرایطی خصلت های غیر انسانی و حتی ضد انسانی پیدا کند. جامعه ای که در آن انسان از پایه ای ترین حقوق ذاتی خود، یعنی آزادی محروم شود، خصلت انسانی نمی تواند داشته باشد. انسان به واسطه ای آزاد بودن و مختار بودن خویش است که انسان می شود. نمی توان در یک جامعه از انسان سلب آزادی کرد و نام آن را جامعه گذاشت. انتخاب ما در به کار بردن صفت انسانی برای جامعه، بسیار دقیق بوده و این واژه آگاهانه انتخاب شده است. چرا که به باور ما جامعه ای انسانی، جامعه ای ست به مراتب برتر و بالاتر از گرد آمدن انسان های فاقد آزادی در یک شهر و خیابان و روستا. جامعه ای که در آن حکومت استبدادی با دخالت های ضد انسانی، ضد عقلانی و ضد شهروندی خود در تمامی شئونات زندگی مردم، آزادی را از آنان سلب نماید، لایق صفت انسانی نیست.

هدف ما در حزب ایران آباد، ایجاد تغییرات در ساختارها و ساختن جامعه ای ست به شکل ریشه ای متفاوت با شرایط کنونی. جامعه ای ایران می بایست به انسان برگردانده شود و برای آن که این بازگشت میسر گردد، می بایست که زیر و رو شود تا نظم دیگری شکل بگیرد. جامعه سهم انسان از دنیا و هستی است و انسان ایرانی، مانند هر انسان دیگری حق دارد بیشترین و بهترین بهره را از این سهم داشته باشد. انسان لایق شرایط خوب اقتصادی، رفاهی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و آرامش است تا آن گونه که خود انتخاب کرده فرصت شکوفایی بیابد.

در یک جامعه ای انسانی، فرد با برخورداری از رفاه و امنیت امکان رشد پیدا می کند. در چنین جامعه ای امکانات مادی و آرامش فکری به گونه ای برای همه ی اعضای جامعه برقرار است که در آن انسان به دور از ترس و اضطراب و تشویش و نگرانی و روان پریشی و افسردگی امکان می یابد از زندگی خود لذت برده، شکوفا شود و بهروزی و بهزیستی را تجربه کند.

حزب ایران آباد در پی ساختن چنین جامعه ای ست، هر چند راه پر پیچ و خم، دشوار و طولانی باشد. ساختن جامعه ای انسانی فقط آرمان ما نیست، پروژه ای کار ماست.

بهره بردن از منابع و ثروت های متعلق به تمامی اعضای آن جامعه را فراهم نمی کند. در این جوامع، پدیده ی آزادی از قربانیان اصلی اختلافات طبقاتی است. این در حالی است که در جامعه ی انسانی مورد نظر حزب ما، منابع و ثروت های جامعه باید در خدمت بهزیستی و شکوفایی تک تک اعضای آن به کار گرفته شود. به باور ما تغییرات بنیادین و ساختاری در اقتصاد ایران لازم است تا با بنا نهادن یک اقتصاد انسان-محور یکایک شهروندان ایرانی، در کنار برخورداری از رفاه به معنای واقعی کلمه، امکان استفاده عملی، ملموس و مادی از آزادی خود در یک دموکراسی واقعی را پیدا کنند.

بهره برداری از آزادی میسر نیست مگر در سایه ی عدالت اجتماعی. این دو مکمل یکدیگرند و بدون هم جای واقعی خویش را نمی یابند.

مردمسالاری اجتماعی

• **مردمسالاری اجتماعی:** و یا دموکراسی به این معناست که رابطه و تعادل بین دو عنصر آزادی و عدالت اجتماعی به اراده ی مردم برقرار می شود، و نه توسط تعداد محدودی سیاست مدار که توسط صاحبان ثروت و قدرت مأمور حفاظت از منافع و خواست های آن ها می شوند و دغدغه ای به جز تأمین منافع و خواست های صاحبان ثروت و قدرت ندارند. چیزی که در «دموکراسی» های غربی شاهد آن هستیم، زمانی که یک قشر کوچک ممتاز، با کمک دولت مردان نماینده ی خود، بیش از ۹۰ درصد از منابع و دارایی های جامعه را از آن خویش می کند و دیگر شهروندان عمرشان را در تلاش برای تأمین حداقل های زندگی تلف می کنند.

جدیت ما در ساختن جامعه ای انسانی به ما مجال خودفریبی نمی دهد، از همین روی، در حزب ایران آباد ما خریدار تفوری های در زورق پیچیده ی نظام طبقاتی نمی شویم که تلاش می کنند نابرابری های اجتماعی ضد انسانی را به نام "ضرورت های" آزادی و دموکراسی به ما تحمیل کنند. از ویژگی های نظامی که ما از آن به عنوان مردمسالاری اجتماعی یاد می کنیم آن است که استقرار آزادی و توزیع عادلانه ی ثروت به درجه ای رسیده که مردم به معنای واقعی کلمه می توانند بر سرنوشت خود نظارت داشته باشند. به عبارتی دیگر، در چنین نظامی، قدرت سیاسی، تابعی از قدرت اجتماعی می شود؛ و قدرت اجتماعی سوار بر قدرت سیاسی است، نه برعکس.

۴ - ویژگی های جامعه ی انسانی مورد نظر حزب ایران آباد چیست؟

جامعه ی انسانی مورد نظر ما، به مثابه چهار ستون یک بنای مستحکم، دارای چهار شاخص به عنوان ضرورت است:

آزادی

• **آزادی:** مبداء و منشاء هر ایده و عمل در مسیر شکوفایی انسان عنصر آزادی است. نوع آزادی که حزب ایران آباد برای آینده ی مطلوب در کشور ما در نظر دارد، همان گونه که در متن مرامنامه ی حزب درج شده، آزادی به شکل حداکثری آن است. از دید ما تنها مرزی که برای محدود کردن آزادی یک انسان می تواند در نظر گرفته شود این است که آزادی وی به آزادی دیگری لطمه وارد نکند. در این راستا، حزب ما بر این باور است که به نام هیچ قید و بند مصنوعی، مانند دولت و حکومت و کشور، و یا برای حفظ منافع هیچ قشر و طبقه و لایه ای از جامعه و نه در اطاعت از احکام هیچ مذهب و ایدئولوژی، نمی توان آزادی را از انسان سلب کرد، چرا که در خصلت ذاتی اوست که آزاد باشد. هرچه آزادی در یک جامعه کمتر باشد بیشتر به سمت جامعه ضد انسانی تر به پیش می رود و هر قدر آزادی بیشتر باشد، آن جامعه انسانی تر است. آزادی درونمایه ی اجتماعی یک جامعه ی انسانی است.

عدالت اجتماعی

• **عدالت اجتماعی:** ما در حزبی که مبنای کار خود را بر روی عنصر واقعگرایی گذاشته و بر اساس خرد و دانش حرکت می کند، بر این امر واقفیم که تا زمانی که بخشی از اعضای یک جامعه در فقر نگاه داشته شود، آزادی سراسری بیش نخواهد بود. چرا که آزادی شهروند زمانی معنا پیدا می کند که بتواند از این حق استفاده کرده و با تلاش و کاری درخور به خواست ها و آرزوهای انسانی خود مادیت بخشیده و به واقعیت تبدیل کند. این در حالی است که آزادی مورد نظر صاحبان ثروت و قدرت در جوامع سرمایه داری فریبی بیش نیست، چرا که برای انسان ها امکانات برابر و یکسان در

می‌شود. تکیه ما تنها بر روی دین‌جاگری یعنی جدا کردن دین از امور کشورداری است.

شفافیت، منش ما در حزب ایران آباد است، به همین دلیل، نظر خود درباره‌ی نقش دین و مذهب در آینده‌ی ایران را به روشنی با مردم در میان می‌گذاریم، از دید ما دین یک امر فردی است و باید فردی باقی بماند. هر گونه ورود امر فردی به حوزه‌ی اجتماعی دردسرساز و مخرب است. شرط حفظ آزادی انسان، بیرون نگه داشتن عنصر تحمیل است.

لائسیته

• **لائسیته:** علاوه بر سه عنصری که برشمردیم، چهارمین اصل پایه‌ای و از ضرورت‌های یک جامعه‌ی انسانی را حزب ایران آباد لائسیته یا دین‌جاگری می‌داند. جامعه‌ای که در آن به دین و باورهای خیال‌پرداخته اجازه‌ی دخالت در مدیریت عرصه‌های اجتماعی داده نشده و کار به دست کارشناسان و متخصصان هر حوزه سپرده می‌شود. به عنوان تشکلی که به روی تاریخ اجتماعی ایران و جهان کار مطالعاتی و تحقیقاتی انجام داده، به درازای تاریخ بشر، ما نقش مخرب مذهب، در صورت ورود به عرصه‌های مدیریت اجتماعی را شناسایی کرده و دخالت مذهب در امور یک جامعه را برابر با انحطاط و فاجعه می‌دانیم. به همین دلیل نیز، باور به لائسیته و ضرورت اعمال خردگرایانه‌ی مدیریت علمی جزئی‌ناپذیر از مبنای فکری حرکت ماست.

راه حل پیشنهادی ما برای آینده‌ای متفاوت در ایران این است که دین را باید از حوزه‌ی اجتماعی خارج و به حوزه‌ی شخصی افراد بازگرداند. در یک جامعه‌ی انسانی مورد نظر ما، هر فرد حق دارد، به عنوان انسانی آزاد، به هر آن چه می‌خواهد و به هر میزان که می‌خواهد باور داشته باشد. این حق اوست و می‌تواند در محل زندگی شخصی خود و یا اماکن ویژه برای این منظور به ادای آداب دینی خویش بپردازد، اما به هیچ وجه نباید اجازه داد اعتقادات دینی یا ایدئولوژیک تبدیل به عاملی برای دخالت در امور مدیریتی جامعه شوند. چرا که آن را دوباره به همان لجنزاری تبدیل می‌کند که مذهب جمهوری اسلامی درست کرده است و یا تجربه‌های هولناک قرون وسطایی آدمکشی که کلیسا برای ما به ارمغان آورد. در چنین جامعه‌ای، دولت نماینده‌ی مردم و نه ضد مردم، مسئولیت نظارت بر مراسم و مناسک مذهبی و ممانعت از ورود این اعتقادات به عرصه‌های جمعی و مدیریتی جامعه را بر عهده خواهد داشت.

تلاش جمهوری اسلامی بر این است که با توسل به تبلیغات و عوام فریبی، احزابی مانند حزب ایران آباد را ضد دین معرفی کند و مردم را از آینده‌ای که خود بر مسند حکومت نباشد بترساند؛ اما واقعیت این است که باور ما به اصل آزادی انسان، و پایبندی ما به اخلاق انسانی با منع کردن انسان‌ها از داشتن اعتقادات مذهبی و پرداختن آزادانه به شعائر دینی خود مغایر است. به باور ما آزادی به شکل حداکثری خود باید برای همه انسان‌ها برقرار باشد و این شامل دین‌باوران نیز

۵ - آیا حزب ایران آباد با دیگر سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون همکاری می‌کند؟

پاسخ به این پرسش به طور طبیعی مثبت است. ما به عنوان یک حزب سیاسی حرفه‌ای می‌توانیم بنا به ضرورت‌های مقطعی و برای پیشبرد بهتر برنامه‌ی سیاسی خود، با حفظ استقلال تشکیلاتی، وارد همکاری عملی با دیگر احزاب و سازمان‌های سیاسی در صف اپوزیسیون ایرانی شویم.

در این راستا همکاری حزب ما با فعالان سیاسی به صفت فردی معنا ندارد، چرا که بر این باوریم که کنش سیاسی تنها به شکل نهادهای خود، یعنی در قالب یک حزب سیاسی، می‌تواند جدی و حرفه‌ای محسوب شود. سیاست عرصه‌ی قدرت است و تنها احزاب سیاسی دارای پایه‌های فکری و استراتژی مشخص قادرند در این عرصه به درستی نقش بازی کنند.

یک شخصیت سیاسی که بدون تکیه بر یک حزب سیاسی به قدرت برسد می‌تواند برای منافع فردی و حفظ قدرت از خود انحصارطلبی، سوء مدیریت، فساد، دیکتاتوری و خصلت‌های منفی دیگر بروز دهد.

از سویی ما بر این باوریم که یک حزب سیاسی، هر چقدر هم که بزرگ و قدرتمند باشد به تنهایی نخواهد توانست رژیم کنونی را سرنگون و قدرت را برای ایجاد تغییرات سیاسی ساختاری به دست گیرد. برای این مهم نیازمند تشکیل یک یا چند طیف و جبهه متشکل از احزاب مختلف می‌باشیم. راز موفقیت در این مسیر و پیشگیری شکست و ناکامی آتی، پرهیز از تشکیل مجموعه‌ها و بلوک‌های نامتجانس از تشکل‌هایی است که در اهداف و یا پایه‌های فکری خود بسیار متفاوت باشند. از این رو می‌بایست به سمت حرکت‌های توأم با عقلانیت و واقعگرایی رفت، از تجربه‌های تاریخی آموخت تا بتوان طیف‌هایی از مجموعه‌های همگون و همسو بوجود آورد.

مبنای کاری و شرط ورود ما به همسویی با احزاب حرفه‌ای و سالم، همخوانی پایه‌های نظری این تشکل‌ها با حزب ایران آباد نخواهد بود. در همکاری‌های آینده، حزب ما حداقل زمان را به بحث‌های نظری اختصاص داده و پس از اطمینان حاصل از

• احزاب و سازمان های سیاسی وابسته: تشکل هایی که برای براندازی رژیم، به قدرت رسیدن و کسب موفقیت، چشم به کمک نیروهای خارجی دوخته اند. چرا که بر این باوریم که دولت ها و نیروهای خارجی در پی حفظ منافع خود هستند و نه منافع ملی ایرانیان و هرگز بدون گرفتن قول و قرار در ارتباط با منافع ژئواستراتژیک و اقتصادی و سیاسی خود به نیروهای اپوزیسیون ایرانی یاری نمی رسانند. ما خواهان اقتصادی شکوفا برای آینده ی ایران هستیم و این امر هیچ همخوانی با باز گذاشتن راه تاراج ثروت های ملی ما از طریق سرمایه گذاری های خارجی بی ضابطه ی شرکت های غول آسای چندملیتی ندارد.

• احزاب و سازمان های تجزیه طلب: تشکل هایی که با تأکید بر تقسیم بندی های قومی و فدرالیسم قادر به زمینه سازی برای تجزیه ایران و تشتت و جنگ قومی هستند.

در یک کلام، حزب ایران آباد بر مبنای یک توافق نظری حداقلی مایل به همکاری عملی حداکثری با سازمان ها و احزاب سیاسی ایرانی همسو، سالم و مستقل است. #

چهار شرط زیر، بنا به ضرورت ها، اقدام به همیاری عملی با دیگر احزاب و سازمان های اپوزیسیون ایرانی خواهد کرد:

۱- احزاب خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی در تمامیت آن

۲- احزاب همسو از لحاظ نظری: احزاب و سازمان های خواهان برقراری آزادی، دموکراسی و بهروزی انسان با ایجاد عدالت اجتماعی و حفظ حقوق بشر

۳- احزاب خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران

۴- احزاب مستقل و متکی به مردم ایران به عنوان محور اصلی فعالیت و مبارزه ی خود

بدین ترتیب واضح است که همکاری ما با دیگر احزاب و سازمان های سیاسی ایرانی سالم و حرفه ای، به نوع گرایش سیاسی و ایدئولوژی و پایه های فکری آن ها بستگی نخواهد داشت. در این راستا به روشنی می گوئیم که حزب ایران آباد در هیچ مقطع و در هیچ سطحی حاضر به همکاری با تشکل هایی که دارای یکی از ویژگی های زیر باشند نخواهد بود:

چهار ضرورت جامعه ی انسانی

آزادی

عدالت اجتماعی

مردم سالاری اجتماعی

لائسیته



حزب ایران آباد

WWW.IRANEABAD.ORG

WWW.IRANEABAD.ORG

لائسیته



اقتصاد ایران از نگاه حزب ایران آباد

دفتر تولید، پژوهش و آموزش حزب ایران آباد

وضع و برعکس، مالیات بر درآمدهای ناشی از فعالیت های تولیدی را پایین نگه دارد. این امر سبب هدایت نقدینگی به سمت تولید می شود. به این ترتیب، از یکسو پول موجود در بازار مصرفی را کمتر کرده و اسباب مهار تورم را فراهم می کند و از سوی دیگر، با هدایت ثروت ها به سوی تولید، رکود را کاهش می دهد. اما در ایران کنونی که بخش عمده ی فعالیت های اقتصادی انگلی، زائد، رانت خواری و در یک کلام، غیرتولیدی است، آیا می توان با وضع مالیات های سنگین آن ها را به سوی تولید کشاند. پاسخ منفی است. به دو دلیل: نخست آن که دستگاه قانونگذاری و دولت توان وضع چنین مقررات مالیاتی را به دلیل سلطه ی مافیاهای اقتصادی بر این دو نهاد ندارد. و دوم این که مکانیزم های مالیات گریزی به دلیل پشتیبانی مراکز قدرت آن چنان قوی عمل می کنند که حتی در صورت فرض محال تصویب چنین قانونی ره به جایی نخواهد برد.

همین یک مثال از مجموعه مکانیزم هایی که می تواند سبب شکستن دور باطل رکود و تورم شود به اندازه ی کافی گویاست که دریابیم مشکل اقتصاد ایران در فقدان راه حل نیست، در نبود اراده ی لازم برای پیاده کردن راه حل است. به این ترتیب در می یابیم که تا زمان تبلور یافتن اراده ی ملی برای تغییرات لازم، اقتصاد ایران محکوم به درجا زدن و فرو رفتن در بحرانی عمیق تر است. از همین روی نیز حزب ایران آباد برای بهبود شرایط اقتصادی کشور، به مثابه موارد فراوان دیگر، ضرورت تغییر سیاسی، به عنوان پیش زمینه ی تحولات را مطرح می کند. این یک پیش شرط لازم است، هرچند که کافی نیست.

پس از حذف رژیم:

با کنار زدن رژیم کنونی از قدرت، فرصت برای دگرگون سازی ایران فراهم می شود و برای این منظور نیز باید به سوی طراحی برنامه های اقتصادی و اقعگرا، عزم و اراده ی جدی برای پیاده کردن این برنامه ها، همچنان که مدیریت صحیح فعالیت های اقتصادی حرکت کرد. حزب ایران آباد دو عامل را در بحران اقتصادی کنونی سهم می داند که با حذف رژیم حاکم بر ایران باید به طور جدی به آن پرداخت: نخست کمبود سرمایه و دوم مدیریت صحیح سرمایه.

اقتصاد ایران فاقد هرگونه ساختار مشخص و هویت روشن است. نه سرمایه داری به معنای خاص کلمه است و نه یک الگوی آلترناتیو برای آن. یک ساختار مافیایی است که ضعف ها و بدترین های چند نظام اقتصادی را در خود جمع کرده است. نام آن را هر چه بگذاریم، حاصل آن پیش روی ماست: یک اقتصاد رانت خوار، غیرتولیدی، وارداتی، وابسته و تک محصولی. تمام این خصوصیات منفی در یک بیماری شناخته شده اما نایاب اقتصادی بروز می کند: رکود تورمی.

این بیماری نادر به طور معمول نصیب اقتصادهایی می شود که نتوانسته اند حتی حداقلی از توازن را میان تولید، توزیع و مصرف شکل بخشند. اقتصاد ایران امروز در این بیماری عمیق دست و پا می زند و رژیم کنونی برای برون کشیدن آن از این باتلاق ساختاری هیچ راه حلی ندارد. بحران اقتصادی ایران جدی و ریشه دار است.

برای برون رفت از رکود تورمی نمی توان به سیاست های متداول انبساطی یا انقباضی بسنده کرد. این ها فقط موقعی جواب می دهد که اقتصاد یک کشور، در یکی از این دو مشکل رکود یا تورم گرفتار باشد. اما زمانی که اقتصادی به هر دو مشکل به صورت همزمان دچار شود دست دولت بسته خواهد بود و با اتکاء به سیاست های مرسوم نمی تواند کاری بکند. سیاست های ضد رکودی انبساطی باعث افزایش تورم می شوند و سیاست های ضد تورمی انقباضی رکود را دامن خواهند زد. پرسشی که از همه ی اقتصاددانان مطرح می شود اینست که در چنین شرایطی چه باید کرد؟

تمامی اقتصاددانانی که قادرند آزادانه و بدون ترس از سانسور راهکار مناسبی برای این منظور ارائه دهند ذکر می کنند که در این شرایط باید به سراغ «اصلاحات ساختاری» رفت.

اصلاحات ساختاری:

این عبارت اشاره به شرایطی دارد که در آن می بایست به مکانیزم های کلان اقتصادی پرداخت و رفتارهای نهادهای اقتصادی را دچار تحول اساسی ساخت. یکی از این روش ها به طور مثال استقرار یک نظام قوی مالیاتی است که بتواند بر روی درآمدهای ناشی از فعالیت های غیرتولیدی مالیات بالایی

کارکرد اجتماعی سرمایه شخصی برای برون رفت از اقتصاد نازای کنونی لازم است.

در این میان بالا بردن توان مدیریت سرمایه‌گذاری و ثروت‌ها و جلوگیری از هدر رفتن آن‌ها یکی دیگر از وظایف جدی دولت و نهادهای شهروندمحور است. هر دو باید در یک کار هماهنگ با بالا بردن سطح دانش فردی به جایی برسند که بتوانند یک نقش نظارتی، مشاورتی و مدیریتی توانمند و دارای کیفیت در قبال سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری‌ها بازی کنند.

ما بر این باوریم که در سایه به راه افتادن چنین سیستمی از همکاری میان مثلث شهروندان، دولت و سرمایه‌گذاران یک مدل اقتصادی پویا و شکوفا شکل می‌گیرد که می‌تواند آغاز خوبی برای بیرون کشیدن اقتصاد کشور از دست رکود تورمی باشد.

حزب ایران آباد از همه‌ی کارشناسان و دانشوران اقتصادی دعوت می‌کند که با همکاری با این حزب در هرچه بهتر طراحی کردن سازوکارها برای اقتصاد آینده‌ی ایران شرکت کنند و اجازه دهند که این بار طرح نجات اقتصاد ایران نه پس از تغییر سیاسی، بلکه پیش از آن آماده باشد. #

در مورد اول ما بر این باوریم که باید حداکثر بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های ملی و ایرانی انجام شود. با این نوع و میزان از سرمایه‌گذاری، در صورت اعمال مدیریت صحیح، می‌توان شرایط را برای جذب سرمایه‌های جدید خارجی فراهم کرد. شرایطی که در آن دفاع از منافع مردمی و ملی ممکن و میسر خواهد بود. پس، تکیه بر بهره‌گیری هوشمندانه و به کارگیری هدفمند سرمایه‌های موجود داخلی و سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور باید باشد. این سرمایه‌گذاری‌ها باید با دخالت فعال و نظارت نهادینه‌ی شهروندان همراه باشد تا سبب شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ کسب سود انفرادی نشود و به طور عمده منافع ملی را در کنار سود فردی مد نظر قرار دهد.

دولت در این میان بهتر است نقش هدایتگر و هماهنگ ساز را داشته باشد و نه نقش تعیین‌کننده را. این کارکرد آخر را باید به نهادهایی سپرد که متشکل از شهروندان و سازمان‌های غیردولتی هستند و با مشاوره و همیاری، سرمایه‌ها را علاقمند به حرکت به سوی نوع فعالیت‌هایی می‌کنند که ضمن ایجاد شغل و ثروت، صرف‌مال‌اندوزهای افراطی شخصی نشوند.

تلویزیون دیدگاه رسانه ای در خدمت دگرگونی

تلویزیون دیدگاه رسانه ای شهروندی است که برای روشننگری در جامعه ی ایران تلاش می کند. این رسانه با ارائه ی برنامه های آموزشی و تحلیلی در عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در پی آن است که شهروندان آماده ی پذیرش مسئولیت برای تغییر شرایط خود شوند.

WWW.DIDGAH.TV



WWW.DIDGAH.TV



حزب ایران آباد و جشن اومانیته

- سپتامبر ۲۰۱۷ سومین سال حضور -

حزب ایران آباد بر آنست که در صحنه های اجتماعی و سیاسی مناسب شرکت فعال داشته باشد. به همین خاطر، از همان ابتدای کار خود از هر فرصتی برای حضور و شناساندن دیدگاه های خود بهره برده است. یکی از این فرصت ها جشن سالانه ی احزاب انقلابی در فرانسه تحت نام «جشن انسانیت» یا «Humanité» می باشد.

برای نخستین بار اعضای حزب ایران آباد در شهریور ماه سال ۱۳۹۴ در این گردهم آبی بزرگ شرکت کردند و در غرفه ی خویش به ارائه ی نشریات حزب پرداخته و با هموطنان و نیز شرکت کنندگان و بازدیدکنندگان حاضر در محل به گفتگو و تبادل نظر پرداختند. با حضور ما در جشن اومانیته در این سال، برای نخستین بار بود که بسیاری از تشکل های سیاسی و علاقمندان با نام حزب ایران آباد آشنا می شدند. در آن فرصت فعالان حزب، تشکل را به عنوان یک حزب انسان مدار و طرفدار قدرت اجتماعی معرفی کردند؛ دو مفهوم که تا به حال در احزاب سیاسی ایرانی مطرح نشده بوده است. ترکیب این دو عنصر از پایه های فکری حزب ما یک ترکیب بدیع و جالب می سازد. از یکسو احترام گذاشتن به جان و کرامت تک تک انسان ها در ورای جنس و مذهب و ملیت، و از سوی دیگر تلاش برای سپردن مدیریت جامعه و سرنوشت تاریخی ملت ایران به دست شهروندان. ما از همان ابتدای حضور خود در جشن اومانیته این دو نکته را به خوبی برجسته کردیم.

تجارب این تلاش نخستین سبب شد که در سال دوم، در شهریور ماه سال ۱۳۹۵ حضوری دوباره را ساماندهی کرده و با دستی پر به سراغ مخاطبان محترم خویش در این گردهم آبی برویم. در این سال دوم حزب نه تنها به تبلیغ عمومی خویش پرداخت، بلکه با سازماندهی دیدارهای دوجانبه به بحث و گفتگو و تبادل نظر با احزاب و سازمان های سیاسی غیر ایرانی در محل نیز پرداخت و ضمن شناساندن خود به آنها، از دیدگاه های آن ها در قبال ایران و خاورمیانه مطلع گشت. در این راستا ما توانستیم نخستین پل های ارتباطی خود با تشکل های مردمی سایر کشورها را برقرار کنیم و به سوی شناسایی بین المللی حزب ایران آباد گام نخستین را برداریم.

این تجربه ی موفق سرانجام زمینه ای شد برای شرکت حزب ایران آباد در جشن اومانیته ی امسال (شهریور ۱۳۹۶). در این سال با برپایی یک غرفه ی بزرگتر و حضور شرکت کنندگان بیشتر، توانسته ایم ابعاد کار تبلیغاتی خود را گسترش دهیم. هم چنین امسال در تلاشی برای بازگرداندن روح مبارزاتی به این گردهم آبی، شعارهایی مشخص و صریح را با فحوای ضد طبقاتی در معرض دید بازدیدکنندگان قرار می دهیم.

حزب ایران آباد با پاسداشت انسانیت در جشن انسانیت شرکت می کند و تا زمانی که فرصت باشد اصالت پیام خود در این چارچوب را حفظ کنیم به شرکت در آن ادامه خواهیم داد. امید است که هموطنان ایرانی و مبارزین غیر ایرانی با استقبال از این پیام ساده ی ما هر چه بیشتر در جهت ترویج و نهادینه کردن اجزای آن تلاش کنند:

"انسان باید که با تکیه بر قدرت اجتماعی از جان و کرامت خویش حفاظت کند."

نشریه ی "خودرهاگر"

شماره دهم - ۲۴ شهریور ۱۳۹۶ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷

دفتر تولید، پژوهش و آموزش حزب ایران آباد

آدرس پستی:

Po.Box 302 Van Nuys

CA 91408 USA

Tel: 1-747-200-5560

Email: hezbiraneabad@gmail.com

تنها مطالبی که به امضای دفتر سیاسی

حزب ایران آباد رسیده است بیانگر

نظرات رسمی حزب خواهند بود.

سایر مطالب بیانگر نظرات

نویسندگان آن می باشند.

حق انتشار با ذکر منبع آزاد است.



تلویزیون دیدگاه را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید!



تداوم و گسترش کار رسانه ی مستقل و شهروندی
دیدگاه در گرو همیاری منظم شماست!

به بخش همیاری مالی در وبسایت دیدگاه مراجعه کرده
و با طرق مختلف ارانه همیاری مالی آشنا شوید:

www.didgah.tv

